

شماره ۳

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

صد بهار گرمیزا سر زرد از زمستانم

آغاز سال نو به وقت ایران ساعت بیست و یک و دو دقیقه و سیزده ثانیه بوقت ایران می باشد



پیام های نوروزی میر حسین موسوی و زهرا رهنورد:

می خواهیم آزادی به میهنمان باز گردد

مهدی کروی:

چطور حرفهای شاه نادرست بود اما حرفهایی که با همان منطق از زبان شما گفته می شود

درست است؟

بیانیهی کانون نویسندگان ایران به مناسبت نوروز ۱۳۸۹

پیام نوروزی دبیر کل سازمان ملل متحد به ایرانیان

پیام پروین فهیمی مادر سهراب اعرابی:

آرام بگیریم که آسودگی ما عدم ماست

سالگرد مرگ امیدرضا میر صیافی در زندان

مادر کاوه کرمانشاهی: هفت سین را در مقابل بازداشتگاه برپا خواهیم کرد

به همراه سروده هایی از:

پگاه احمدی، خسرو باقرپور، شهلا بهاروست، آزاده دواچی، عباس صفاری، مهتاب کرانشه،

زیبا کرباسی، ویدا فرهودی، رضا مقصدی، محمود معتدی، مودب میرعلایی

بهاران خجسته باد

گزارش تصویری از دهمین سالگرد تاسیس

سایت اخبار روز

اخبار روز فرارسیدن سال نو را به خوانندگان و همکاران خود شادباش می گوید و برای مردم ایران سال پیروزی بر استبداد را آرزو می کند



دمکراسی و آزادی زمانی به ثمر می رسد که فضای شکوفایی و رشد اندیشه ها در جامعه مان پدید آید. ما باید یاد بگیریم تا با احترام متقابل به دگر اندیشان با هم وارد دیالوگ شویم و در جهت ارتقاء جامعه و رسیدن به آنچه که خواهانش هستیم تلاش کنیم. حذف دیگران و نادیده گرفتن خواسته های آنان ثمری جز پیشروی استبداد ندارد. با آگاهی به نیازهای جامعه و جدی گرفتن خواستههای خلقها در کشورمان و فراهم آوردن امکانات یکسان برای رشد کودکانمان و برابری اجتماعی و حقوقی زنان و مردانمان است که به ایرانی آباد و آزاد خواهیم رسید.

با سپاس از همکاری و همیاری سایت
اخبار روز

www.akhbar-rooz.com

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

پیام های نوروزی موسوی و رهنورد می خواهیم آزادی به میهنمان باز گردد



اخبار روز: میرحسین موسوی و زهرا رهنورد به مناسبت فرا رسیدن سال جدید پیام های نوروزی جداگانه ای منتشر کردند. به گزارش کلمه، میرحسین موسوی در پیام ویدئویی خود خطاب به ملت ایران سال ۸۹ را سال استقامت و پایداری بر مطالبات برحق و قانونی ملت ایران دانسته و تاکید کرد: سال جدید سال استقامت بر این مطالبات به حق و قانونی است و ما حق عقب کشیدن و عقبگرد در ارتباط با این مطالبات را نداریم.

متن پیام ویدئویی میرحسین موسوی به شرح زیر است:

فرا رسیدن موسم سبز بهاری و عید ملی نوروز را به همه ملت تبریک می گویم. جا دارد به ویژه از خانواده شهدا و رزمندگانی که برای استقلال کشور دفاع کردند و از خانواده جانبازان و همه کسانی که آسیب دیدند، یاد کنم و شهدا و آسیب دیدگان سال ۸۸، چون این قافله به هم پیوسته است و سرنوشت این شهدا را در طول تاریخ کشور به هم پیوسته می دانم. اگر امروز ایرانی سرفراز و ملتی آزاد داریم ناشی از این فداکاری ها و رنج ها است. شهدا زندگان واقعی هستند. نزد خدا روزی می خورند و در سرنوشت ما تاثیر می گذارند. طبیعی است که مردم خواستار حفظ حرمت این خانواده ها باشند. جا دارد به اقشار، اقوام، قومیت ها، فرهنگ ها و جناح ها و همه ملت تبریک عرض کنم به ویژه جا دارد امسال از ایرانیان خارج از کشور نیز یاد کنم. ملت ما به هم پیوسته هستند و این از برکات جنبش سبز است. دامنه این جنبش آنچنان فرا رفته است که در آن سوی دنیا مردم خود را وابسته به هویت عمیق ایرانی، اسلامی، می دانند و برای انقلاب و عظمت و پیشرفت کشور زحمت می کشند و سعی می کنند در سرنوشت کشور و میهن خود مشارکت داشته باشند به ویژه جوانان داخل و خارج از کشور، گروهی که بیشترین قربانی ها و خسارت را دادند.

تا جایی که من اطلاع دارم نسل سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور درست مثل جوانان داخل ایران، در حال فعالیت هستند و در این فرصت سال جدید را به همه آنان تبریک می گویم. خانواده های آسیب دیدگان و شهدا در این باره نقش والایی داشته اند و جا دارد ملت عزیز ما در سال جدید، به ویژه در روزهای اول سال یار این خانواده ها باشند و به طور مناسب، در دیدارها امکان دلگرمی آنان را فراهم آورند.

سالی که گذشت برای ملت ما سال ویژه ای بود. ملت عزیز ما شاهد شور و هیجان وسیعی به خاطر انتخابات بودند و آنچه زیبا بود محبت مردم به یکدیگر و صفوف متحد مردم از همه جناح ها بود که در این سال شاهد بودیم. این انتخابات می توانست به یک جشنواره بزرگ برای ملت تبدیل و سرآغاز حرکت جدید در تاریخ کشور شود. این حرکت منجر به حضور گسترده مردم در پای صندوق های رأی شد و شما به طور وسیع و بی سابقه در این انتخابات شرکت کردید و عزم خود را برای تغییر، دگرگونی و استقلال کشور و حاکمیت عدالت و آزادی نشان دادید. اما پاسخی که به این حضور داده شد متأسفانه منجر به این شد که در فاصله کوتاهی پس از انتخابات مردم با شعار «رأی من کجاست» و یا «رأی من را پس بده» به خیابان ها آمدند. ریشه این مسئله از روز ۲۲ خرداد شروع شد. هنوز ساعت ۵ نشده بود که یکی از ستادهای مهم انتخاباتی بنده مورد حمله قرار گرفت و ساعت ۸ شب ستاد مرکزی انتخابات اینجانب نیز مورد حمله قرار گرفت و تا فردا صبح چند بار تیرت روزنامه کلمه سبز با حضور نیروهای امنیتی عوض شد.

وضعیتی که پیش آمد یک ذهنیت را برای مردم در مورد عدم مدیریت صحیح و اسلامی انتخابات شکل داد که ریشه بسیاری از اتفاقات در کشور شد. دنباله موضوع، پاسخی بود که به اعتراضات داده شد که این پاسخ در خور عظمت، آزادی و سرفرازی ملت ما نبود. جنایات کهریزک، مسئله خوابگاه های دانشجویی، کشتار ۳۰ خرداد و حتی ۲۵ خرداد و حوادث بعدی از جمله روز عاشورا، مورد انتظار مردم کشور ما نبود.

اگر مسئله سیاسی بود باید به شیوه سیاسی حل می شد و مردم باید اقتناع می شدند و به مردم توضیح می دادند. اما اینگونه نشد و پاسخ ها درخورشان نبود. یکی از به یادماندنی ترین روزهای این جریان، روز ۲۵ خرداد بود که ملت به صورت گسترده در این روز حضور پیدا کردند و آن را به روز تعیین کننده ای در تاریخ کشور تبدیل کردند. آن روز همواره شهادت خواهد داد که روحیه مردم در روزهای پس از انتخابات چگونه بود.

مردم به صورت مسالمت آمیز در حالی که شعارهای ملی و اسلامی می دادند و بدون ایجاد هیچگونه تنش، رأی و نظر خود را اعلام کردند و ما انتظار داشتیم پاسخی درخور این روحیه لطیف ملت داده شود اما اتفاقات بعدی آن را نشان نداد و ما شاهد برخوردهایی از نوع دیگر بودیم که مسئله را دشوار کرد.

در ۲۲ خرداد مردم می خواستند با شرکت در انتخابات آزاد در سرنوشت خود سهیم باشند و آینده را خود شکل بدهند اما اتفاقاتی که بعداً افتاد منجر به بیداری در میان ملت ما شد. ملت اشکالات و انحرافات را کشف کردند و مطالبات جدیدی با طیفی وسیع شکل گرفت. این روند از خواسته هایی مثل رأی و تعیین تکلیف انتخابات آغاز و به مطالبات دیگر رسید. آنچه جنبش عظیم سبز با تعاملی که بین افراد شکل داد نتیجه گیری کرد که همه مطالبات در تحقق اهداف قانون اساسی و آن هم بدون تنازل باید تجلی یابد و این امر تبدیل به شعار گسترده ای شد که اکثریت هم آن را قبول کردند.

حقیقت این است که این شعار اهمیت فوق العاده ای برای سرنوشت کشور ما دارد. قانون اساسی یک میثاق ملی است. بدون آن ما وحدت نداریم بلکه هر ج و مرج داریم و دورنمای تاریکی داریم. قانون اساسی مجموعه ای به هم پیوسته است و باطل کردن یا تضعیف بخشی از آن به مثابه بی معنا ساختن آن است. قانون اساسی را باید یکپارچه دید. زمانی که قانون اساسی تدوین شد، حتی آن کسانی که آن عناصر را تدوین می کردند برای آن که انسجام قانون آسیب نبیند، مقدمه ای برای آن تهیه کردند که اهمیت آن هم زیاد است. در تمام اینها اصول به یک مجموعه از ارزش ها، خواسته ها و مطالباتی یکپارچه تأکید می شود که نمی توانند از هم جدایی بگیرند. اکنون هم مردم که مشکلات اجرایی، سیاسی و انتخاباتی و .. را دیدند راه حل را در این می بینند که راه گشودن به آینده درخشان برای ملت بازگشت به قانون اساسی آن هم بدون دخالت دادن سلبی سیاسی است.

اگر اصلی از قانون اساسی ایراد هم دارد باز هم راه اصلاح آن معلوم است و باید با نظر مردم و مطابق سازوکارهای موجود در قانون اساسی اصلاح شود. اینگونه نیست ما بتوانیم حق داشتن رسانه های آزاد و یا آزادی های مطرح در قانون اساسی، یا انتخابات آزاد، غیرگزینشی و رقابتی، عدم تجسس بر احوال مردم و واری نامه های مردم را بنا به مصلحت خود و برخلاف قانون اساسی در کشور جاری کنیم و فکر کنیم می توانیم یک نظام منظم داشته باشیم و مشکلات را حل نماییم. سال ۸۹ با مسائل و مشکلاتی روبرو هستیم. بخشی از آن به شکل گیری این مطالبات بازمی گردد که مطالبات به حقی است و راه عظمت ملت، رستگاری تمامی

جناح‌ها و مسیر پیشرفت ملت است و این مطالبات ادامه خواهد یافت و سال جدید سال استقامت بر این مطالبات به حق و قانونی است و ما حق عقب کشیدن و عقب‌گرد در ارتباط با این مطالبات را نداریم و آن را خیانت به ملت و اسلام، خون شهدا می‌دانیم. ما این قانون اساسی را در میان امواج خون شهدا به دست آوردیم و نمی‌توانیم آن را راحت از دست بدهیم و همه باید به آن بازگردند.

در کنار این مسئله، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که قبلاً هم بود و امسال تشدید می‌شود که امیدوارم اینگونه نشود. دورنمای اقتصادی کشور دورنمای روشنی نیست و من از این مسئله خشنود نیستم. دوست می‌دانم که علی‌رغم تمام مسائل و مشکلات یک کارآمدی را در نظام اجرایی برای حل مشکلات می‌دیدم ولی آن را نمی‌بینم. پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال ۸۹، رشد بسیار کمی است معنای این روند در کنار کاهش سرمایه‌گذاری، به معنای بیکاری و فقر وسیع است و انبوه قشرهای مستضعف و لاغر شدن طبقات میانی که پیش روی ما است. از طرف دیگر به دلیل نبود سیاست‌های روشن، ماجراجویی و بی‌تدبیری وضعیت پیرامونی ما، وضعیت خوبی نیست و یک وضعیت تهدیدکننده علیه ما شکل گرفته است. ما بدترین حالت را در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل داریم و به نظر می‌رسد سایر تحریم‌ها و فشارهای بیشتری را شاهد باشیم.

در این شرایط جا دارد جنبش سبز اول فکر کند که دامنه امواج خود را به همه اقشار، قومیت‌ها و استان‌ها بکشاند و در عین حال اصل جاودان تکافل اجتماعی-اسلامی را زنده کند. به مردم، همسایگان و محلات باید با تولید کار، اشتغال و کمک رسیدگی کنیم و انواع راه‌های دیگری که در این ارتباط پیش روی مردم قرار دارد.

زندگی‌ها را ساده‌تر کنیم و با کم کردن تشریفات بیشتر به فکر مردم باشیم و بتوانیم مقدار زیادی از مشکلاتی که تصور می‌شود مردم با آن روبرو می‌شوند را کم کنیم. رسیدگی به خانواده شهدا و آسیب‌دیدگان و رفت و آمد با آنها، یقیناً هم موجب رضایت حضرت حق خواهد بود و هم باعث می‌شود نور امیدی بتابد. من اعتقاد دارم راه عظمت ملت ما از این مسیر می‌گذرد و یقیناً ملت امیدوار است که این راه را برود و چاره‌ای ندارد تا این راه را برویم و انشاءالله خداوند ما را به نتیجه قطعی خواهد رساند چرا که ملت خواسته غیر عادی ندارد. یک انتخابات درستی که گزینشی نباشد که عده‌ای درجه دو انتخاب کنند و عده‌ای از روی انتخاب آنها، انتخاب کنند در خور شأن ملت ایران نیست. ملت ایران، ملتی بزرگ، پیشرفته و متمدن است و درست نیست مثل یک ملت غیرمتمدن و نادان با آن برخورد شود و برای او تعیین تکلیف کنند. اجازه دهید افکار و اندیشه‌های ملت و اراده ملی آنان حضور تجلی یابد و یقیناً اسلامی خواهد بود و نتایج خواهد داشت و ایران پیشرفته و آباد توأم با عدالت و آزادی را برای ما به ارمغان می‌آورد. نباید بترسیم، باید از پشت کردن به خواسته‌های ملت هراس داشته باشیم. این سخنان را با یک دعا از حضرت امام(ره) پایان می‌برم که مناسبتی با وضعیت کنونی ما هم دارد.

حضرت امام(ره):

بارالها، تو خود شهدای ما را در جوار رحمت خود جای گزین. و معلولان ما را شفا و مقفودان و اسیرانمان را به دامن خانواده‌هایشان بازگردان و به همه ما صبر و توفیق عنایت فرما.

پیام نوروزی زهرا رهنورد

بنابر این گزارش خانم زهرا رهنورد نیز به مناسبت فرا رسیدن سال نو و بهار طبیعت پیامی را خطاب به مردم ایران منتشر کرد. دکتر رهنورد در این پیام تأکید کرده است: در این آغاز سال می‌خواهیم که آزادی به سرزمین مان بازگردد، این تحول حال است. می‌خواهیم قانون مداری که می‌توان گفت دویست سیصد سال است که انسان‌ها به شکل مدرن برای آن تلاش کرده اند مجدداً بر سرزمین ما حاکم شود. تقلبات و شائبه‌ها کنار رود، تبعیض در هر شکلی که هست چه تبعیض برای مسائل مادی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی و تبعیض در مورد مسائل زنان برطرف بشود.

متن پیام ویدئویی زهرا رهنورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

این ایام نوروز باستانی کهن و همیشه جاودان را به هموطنان عزیزمان در ایران و هر گوشه‌ای از جهان که هستند تبریک عرض می‌کنم. یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول والاحوال، حول حالنا الی احسن الحال. چقدر عجیب است که این مراسم باستانی با چنین روایت زیبایی اسلامی عجیب شده و نه تنها با روایت زیبایی اسلامی، بلکه با امروز ما در جامعه‌ی مدنی که وجود داریم و در این ایام سبزی که جنبش سبز در واقع بر آن مهر و امضای زیبایی‌های خودش را زده. حول حالنا الی احسن الحال در واقع همان خواست جنبش سبز است. جنبش سبز خواهان تحول وضعیت خود است، وضعیت ملت خودش. و چه تقارن زیبایی است تحول در هر زمینه‌ای. جنبش سبز که جنبش برانداز نیست. جنبش تحول خواه است، تحول از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب. ولی اجازه دهید که از حافظ مدد بگیریم و از اعتمادی که به او داریم در همه‌ی ایام زندگی مان خط مشی بگیریم یا صحبتی:

عشقت رسد به فریاد گر خود به سان حافظ قرآن ز بر بخوانی در چهارده روایت

این چهارده روایت که در واقع حافظ خود درباره‌ی خودش گفته و آن را با عشق توأم کرده حکایت از این دارد که خیلی می‌توان به آن اعتماد کرد. فال نیست به فال اعتقاد ندارم چون قرآن کریم هم می‌فرماید: طائرکم معکم، خودتان هر چه باشید همان، گردن کسی نباید چیزی انداخت. بلکه تاسی می‌گیریم به او:

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند

من ار چه در نظر یار خاکسار شدم رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند

چو پرده دار به شمشیر میزند همه را کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است چو بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

غنیمتی شمر ای شمع وصل پروانه که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند

حافظ عزیز مورد اعتماد همه‌ی ما در شب‌های چله، در روزهای عید، در موقعی که غم و اندوهی داریم، در موقعی که خوشحال و شاد هستیم، "عشق را به فریادمان می‌رساند". دلمان می‌خواهد در این ایام همدیگر را دوست داشته باشیم. قبلاً هم گفتیم که جنبش سبز را همه دوست داریم با هیچ کس دشمن نیست، فقط یک مطالبات و آرمان‌هایی دارد.

در این آغاز سال می‌خواهیم که آزادی به سرزمین مان بازگردد، این تحول حال است. می‌خواهیم قانون مداری که می‌توان گفت دویست سیصد سال است که انسان‌ها به شکل مدرن برای آن تلاش کرده اند مجدداً بر سرزمین ما حاکم شود.

تقلبات و شائبه‌ها کنار رود، تبعیض در هر شکلی که هست چه تبعیض برای مسائل مادی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی و تبعیض در مورد مسائل زنان برطرف بشود. آزادی‌های شخصی و فردی احترام گذاشته شود، این به معنای این نیست که به جمع و خواسته‌های جمع احترام نمی‌گذاریم ولی فرد هم حق دارد و معمولاً حکومت‌های رسمی ایندولوزیک به فرد حق نمی‌دهند که برای خود نظر و سلیقه داشته باشند اما جنبش سبز این را می‌خواهد.

مردم ما در جنبش سبز سازه‌ی آن هستند، جنبش سبز یک کتابخانه نیست که چند کتاب در آن گذاشته باشند. در واقع جنبش سبز همان مردم و آرمان‌هایشان هستند. ما همه با هم هستیم، ما بی‌شماریم. مردم ما با همه‌ی تنوعی که کشور ما دارد، کشور ما یکی از پیچیده‌ترین موقعیت‌های ژئوپولیتیک و نژادی و زبانی را دارد، ولی خدا را شکر قرآن کریم می‌فرماید: که احترام بگذاریم به این قضیه، شعوب و قبایل اگر باشید همدیگر را بشناسید. رنگ و زبان، الوان و السنتمک این‌ها از آیه الهی است. نشانی از خداوندی است. این تنوع و تکثر بسیار زیباست.

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

جنبش سبز مجموعه ای از جنبش های زیر مجموعه ی خودش است ، جنبش کارگران ، جنبش معلمان ، جنبش زنان و جنبش های دیگر . و هم چنین مجموعه ای از گروه های مرجع است مثل گروه هنرمندان ، گروه ورزشکاران ، گروه هایی دیگری مثل طرفداران حقوق بشر که البته همه مان هستیم و در این طرف داری همه به نوعی هم پای هم هستیم ، و گروه های مرجع دیگر. جنبش سبز در واقع حکایت یک نورافشانی است ، نورافشانی مردم که نور وجودشان به یک منشور می تابند و تنوع رنگارنگ و قوس و قزحی زیبا در پرده ی تابلو الهی در سطح جامعه ایجاد می کند . جنبش سبز یک جنبش تحول خواه و آزادی خواه است و پیش به سوی آرمان های بلند اسلامی . جنبش سبز جنبش لطیفی است. جنبش خشن نیست ، نمی خواهیم بگوییم “ نرود میخ آهنین در سنگ “ آن را می دانیم که یک ضرب المثل است ولی ما در دنیای مدرن می خواهیم بر همه ی این ها پیشی بگیریم و حرف تازه ای بزنیم و هیچ سنگی را فکر نمی کنیم وجود دارد که راجع به آن میخ آهنین به کار ببریم و امیدواریم همه مان با هم با نرمش پیش رویم و کل ملت ما ، نظام و مردم ما موفق باشند در آن آرمان های بلند.

اما نمی توانم راجع به زنان حرف نزنم . بر تارک آرمان های زنان آزادی ها و رفع تبعیض می درخشد ، این آرمان زنان ایران فقط نیست ، آرمان تمام زنان جهان است منتها برخی از نقاط جهان موفق تر از ما بوده اند در رفع تبعیض ولی ما موفق نبودیم، واقعیت این است . من همیشه حرفم این بوده که انقلاب اسلامی یک پروژه ی ناتمام بود . و امیدوار بودیم که در جمهوری اسلامی آرمان های بلند انقلاب اسلامی و آرمان های بلند حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب در جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند ، چون به نحو خاصی انقلاب ما با یک سرعت خاصی موفق شد و ادامه ی آرمان هایش را منتظر بودیم در جمهوری اسلامی انجام بگیرد که آزادی ها بود ، قانون خواهی بود ، مساوات بود ، رفاه مردم بود ، رفع تبعیض های طبقاتی بود و نظایر آنها، ولی نشده . جنبش سبز می خواهد همان ها را دوباره پیگیری کند از جمله مسئله زنان را . زنان ما در شرایط فعلی از تبعیض های زیادی رنج می برند، مثل تبعیض های حقوقی ، تبعیض های فرهنگی ، تبعیض های قانونی و نظایر آنها.

بعضی ها خیال می کنند تا بحث رفع تبعیض پیش می آید و مساوات طلبی ، نقش ها فراموش می شوند و یک جامعه ی خشنی که همه مثل هم می خواهند استالینی عمل کنند ، سراها بریده شود همه اندازه همدیگر شوند و مثل هم . نه این حرف نیست اصلا ، جنبش سبز نقش ها را می شناسد . حتی نه تنها جنبش سبز بلکه تمام فعالیت های رفع تبعیض در سطح جهان نقش ها را می داند و می شناسد . این طور نیست که لطافت ، مادرانگی ، عشق آفرینی ، ایجاد شور و هیجان ، تداوم حیات بشری ، در جنبش سبز فراموش بشود در رفع تبعیض . رفع تبعیض در واقع همان ادبیات دینی ما را می خواهد به یک شکلی در مورد زنان بکار ببرد . ریحانه است ، نه قهرمانه . یعنی لطافت و درخشندگی دارد اما قهرمانانه نباید با آن رفتار کرد.

قهرمان البته در اینجا به معنای ادبیات فارسی مان نیست بلکه یعنی با قهر و خشونت . وقتی تبعیض هست در واقع آن ریحانه اسیر قهرمانه شده است یعنی آن قهرها و شدت هایی که فرهنگ یا یک نظامی ممکن است بر او وارد کند . ما در واقع به طور جدی این قضیه را در کنار تمام آرمان های جنبش سبز پیگیری می کنیم که رفع تبعیض و اعطای آزادی ها به زنان و آن را از قیومیت درآوردن (چه قیومیت قانون باشد چه قیومیت های دیگر) خارج کند و زن واقعا در شأن و منزلتی که همه ی فرهنگ های بدیع و ارزشمند جهان برای آن قائل اند ، و از جمله اسلام عزیز خودمان بر آن قائل است ما به آن شأن و منزلت برسانیم هم در قلمرو فرهنگ هم در قلمرو قانون.

در نهایت تبریک می گویم به همه ی انسان های بزرگی که با هزینه های سنگینی که پرداختند این انقلاب کبیر را حفظ کردند ، جنگ تحمیلی را به پیروزی رساندند و جنبش سبز را سرفراز کردند در تمام جهان ، به خانواده های زندانیان ، به خانواده های شهدا در تمام قلمرو تاریخ ایران به ویژه این سی ساله اخیر تبریک عرض می کنم . امیدوارم زندانیان آزاد شوند و بر سر سفره های هفت سین در کنار خانواده های خود بنشینند و به ترجیع بند سبز جنبش سبز که پر از سین های پر شکوه است ، علاوه بر سین های هفت سین ، سین سرفرازی ، سین سعادت ، سین سلامت و سین های خوب دیگر را به عنوان یک زنجیره ی ابدی سبزی های جنبش سبز در کنار خانواده هایشان بر سر سفره ی هفت سین داشته باشند . و ما بی شماریم ، ما با هم هستیم، ما ایستاده ایم.

جنبش سبز هزینه ی سنگینی پرداخت کرده و پای آرمان های خود ایستاده است . منتها این آرمان ها را ما می خواهیم ، مطالبات ما باید تحقق پیدا کند . هر کس این کار کرد فرقی نمی کند ، مهم این است با سرفرازی این آرمان ها که آرمان های خود انقلاب کبیر اسلامی هم هست تحقق پیدا کند و می دانم که حتما چنین خواهد شد و امیدواریم که همه خوشبخت و سعادتمند باشیم.

آرام نگیریم که آسودگی ما عدم ماست

پیام پروین فهیمی مادر سهراب اعرابی

با سلام

زیارت اهل قیور، در پنجشنبه ی آخر هر سال، برای ما مردم مسلمان و ایرانی یک وظیفه و نشانگر نزدیکی مان به اموات است.

از این که در تهران نیستم تا این وظیفه را انجام دهم، بسیار متأثرم.

فرزندان جان باخته ی عزیز ما در شب سال نو در کنارمان نیستند ولی یاد آن ها همیشه زنده خواهد ماند!

هموطنان زندانی ای که در کنار خانواده های خود جای شان خالی است، امید دارم به زودی آزاد گشته و به آغوش خانواده های شان بازگردند.

من به عنوان یک مادر دل سوخته، به درگاه خداوند پناه می برم. مگر فرزندان ما چه گناهی مرتکب شده بودند که باید اینگونه مورد ظلم واقع شوند؟

جوانان ما خواسته ای فراتر از حق و حقوقی که متعلق به هر انسانی است؛ ندارند.

من باز هم به عنوان یک مادر؛ خواهان آزادی و صلح و دوستی، نشاط و سلامتی برای همه می باشم. فرزندم نیز همین را می خواست اما او را...

پروین فهیمی

مادر سهراب

پنجشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۸۸



کروبی: چطور حرفهای شاه نادرست بود اما حرفهایی که با همان منطق از زبان شما گفته می شود درست است؟

سحام نیوز: روز دوشنبه اعضای شورای مرکزی دفتر سیاسی و جوان جبهه مشارکت با مهدی کروبی دیدار کردند. متن کامل این دیدار بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا خیرمقدم عرض می کنم خدمت شما دوستان و عزیزان، و پیشاپیش تبریک می گویم فرارسیدن عید نوروز باستانی و سال جدید را، و انشاءالله امیدواریم سال جدید سالی پر خیر و برکت و آرامش همراه با اجرای قانون و رعایت حقوق شهروندان باشد. سالی که در روزهای پایانی هستیم سال تلخی شد البته از نعمت های خدا سپاسگزاریم اما به هر جهت حوادث خوبی پیش نیامد. بجای اینکه یک انتخاباتی موجب آرامش و اطمینان خاطر شود، موجب شوق و شور و شعف شود، تبدیل شد به زندان و کشتار و حوادث سختی که در موارد و مواقع مختلف پیش آمد. تا ۲۲ خرداد همه امور بخوبی پیش می رفت و تا برگزاری انتخابات خیلی خوب بود و شاهد حضور گسترده مردم بودیم اما حوادث بعدی، که قطعاً حوادث بی سابقه ای در جمهوری اسلامی ایران بود، تلخ و تاسف بار بود. اینکه تعداد زیادی از مسئولان گذشته نظام از وزیر و وکیل و مدیر... بدلیل فعالیت های سیاسی و انتخاباتی همراه با افرادی از دیگر اقشار اجتماعی پس از اعلام نتیجه انتخابات به این وسعت و گستردگی بازداشت و زندانی شوند، یا فضای کاری مطبوعات سخت و بیباز از ده روزنامه طی این مدت توقیف و تعطیل شود و حوادث غیرقابل تصور دیگری که رخداد و مجال ذکر آنها نیست و همه به آن واقفید. امیدواریم بعد خسارت وارده جبران شود و منظورم بیشتر خسارت های معنوی و حیثیتی است که به افراد و اشخاص وارد شده است.

اینروزها بین روز پیروزی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی قرارداد و به روز جمهوری اسلامی نزدیک می شویم و کمتر از بیست روز به روز رای دادن و همه پرسى در سال ۵۸ مانده است. لازم می دانم چند جمله ای راجع به اینروز جمهوری اسلامی بیان کنم. امام خمینی در دوران مبارزه و انقلاب وعده هایی به مردم داد. نظام حاکم بر ایران یک نظام سلطنتی و استبدادی بود. امام در صحبت ها و اعلامیه هایش همیشه خطابش به مردم بود و به رای و نظر مردم تکیه می کرد و وعده برقراری جمهوری می داد فلذا وقتی حکم تشکیل دولت موقت را می دهد تصریح می کند چون مردم مرا به عنوان رهبر انتخاب کرده اند این حکم را می دهم. و به همین دلیل امام پس از پیروزی انقلاب برخلاف رویه جاری در دیگر انقلابها بلافاصله برای تعیین نوع نظام به رای مردم رجوع کرد. در آن موقع کشور هنوز فاقد نهادهای امنیتی و پلیسی مستقر بود اما در یک چنین شرایطی امام برانجام همه پرسى و رای مردم تاکید کرد و ۲/۹۸ درصد رای به جمهوری اسلامی دادند و گاهی برخی می گویند مردم رای دادند اما نمی دانستند به چه رای می دهند اما بنظرم این درست نیست اما قطعاً آنچه امروز هست آن نیست که مردم به آن رای دادند. این مانع که آمدیم با اعمال سلیقه و عملمان جمهوریت و اسلامیت را به اینصورت در آوردیم. دلیل بر اینهم قانون اساسی ماست که مبتنی بر همان رای و نگرش تدوین و تصویب شد و در آن حقوق اساسی ملت تعریف و تضمین شده است. حتی در نامه ای که امام به اعضای بازنگری در قانون اساسی نوشت تکرار همین حرفها بود و اینکه در مورد رهبر هم، مجتهدی که رای خبرگان منتخب مردم را گرفت و بطور غیر مستقیم منتخب مردم است، مسئولیت رهبری می یابد.

اوضاع ما متأسفانه به همین صورتی شده است که شاهدش هستیم. شما می خواهید که کنگره تشکیل دهید اما اجازه نمی دهند و این جای سؤال بسیار دارد و ایضا نسبت به بقیه امور، آن جمهوری اسلامی که مردم رای دادند آنی نیست که الان هست. ما نه جاسوسیم و نه برانداز و... و آنهایی که این نسبت ها را با ما می دهند خود بخوبی می دانند که اینها ناروا و دروغ و تهمت و بهتان است. ما بدنبال همان جمهوری اسلامی واقعی که مردم در سال ۵۸ به آن رای دادند، هستیم. من روحانی هستم، سابقاً در کوچه و خیابان مردم به روحانی احترام می گذاشتند و بعضاً ملکی هم می گفتند اما خدا شاهد است من امروز از این تبلیغات دروغ و تهمت و نسبت هایی که می دهند به اندازه آن متلک گفتن ها ناراحت نمی شوم چرا که خودم می دانم ضد انقلاب و نظام نیستم، عامل بیگانه هم نیستم و نمی دانم اینها که اینها را می گویند و می نویسند چطور می خواهند جواب خدا را بدهند؟ اینها به دیگران همینگونه حمله می کنند. دو دفعه به درخانه ما آمده اند و بار دوم به درخانه جدید ما که هنوز ساکن آنجا نشده ایم، آمدند و مزاحم مردم و همسایه ها شدند و به در و دیوار رنگ پاشیدند و شعار نوشتند و دوربین های مدار بسته مجتمع را به سرقت بردند و شیشه های ساختمان را شکستند و به خانم یکی از همسایه ها توهین کردند. آیا این وضع برای جمهوری اسلامی ننگ نیست؟ آیا اینها برای نظام خوب است و آبرو و اعتبار می آورد؟ مگر این نظام ملک طلق افرادی خاص است که هرکاری دلش خواست بکنند و امنیت روحی و روانی و مادی را از دیگران سلب کنند؟ و آدم از اینها نتانر و متأسف می شود.

ما در تاریخ می خوانیم وقتی دکتر فاطمی را پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ در تجریش گرفتند در راه که او را می بردند به فرمانداری نظامی مشتی ارادل و اوباش به او حمله کردند و دکتر فاطمی را زدند و مجروح و خونین کردند، چطور آنها ارادل و اوباش بودند اما اینها با این کارهاشان نیستند؟ پس این وضعیت مصیبت مضاعف است. اگر در زمان شاه شعبون بی مخ دیگران را می زد از ارادل و اوباش بود اما اینها با همان عمل حزب الله هستند؟ واقعا آدم متانر و متأسف می شود که اینها از همه مفاهیم و معانی دینی استفاده ابزاری می کنند و آنها را وارونه نشان می دهند و با این روشها جمهوری اسلامی با آن پشتوانه عظیم مردمی به این روز سیاه افتاده است. ما معتقدیم که نظام جمهوری اسلامی ایران حاصل انقلابی بزرگ است و باید بماند. ما جوانی و عمرمان را برای برپایی این نظام صرف کرده ایم و الان هم که تقریباً هر امکانی را از ما برای ارتباط راحت با مردم گرفته اند اما با این احوال افکار عمومی با ماست برای اینکه معلوم شود حق با کیست و اکثریت مردم با کدام نظر و دیدگاه همراهی دارند اجازه بدهند ما یک تجمع و راهپیمایی برگزار کنیم. بله با زور و قلدری می شود مردم را ساکت و کنترل کرد اما اداره نه. ما می خواهیم جمهوری اسلامی را حفاظت کنیم، ساختار شکن هم نیستیم. ما اینجور افراد سیاسی و روزنامه نگار و... رابازداشت و زندانی کردن، مطبوعات را بستن، سانسور و حقیقت را حاکم کردن قبول نداریم و اینها جز آزادی کشی و استبداد نامی ندارد و هیچ قربانی هم با جمهوری اسلامی ای که امام می خواست و در قانون اساسی تعریف و تبیین شده، ندارد. نه وابسته به بیگانه ایم و نه شما، اما اتفاقاً این شماست که با این عملکرد آب به آسیاب دشمن می ریزید و با خشونت هایتان برای آنها خوراک تبلیغاتی فراهم می آورید. از قدیم گفته اند دوست نادان از دشمن دانا خطرناکتر است. اینها چون قدرت و امکانات دستشان است و داشتن قدرت هم شیرین است و لابد حفظش هم به هر قیمت واجب! هر حرفی را می زنند و هر فردی را بخواهند به اینجا و اونجا وصل می کنند. در زمان انقلاب که بی بی سی اخبار را انتشار می داد و بگونه ای به پیشبرد انقلاب کمک می کرد اشکالی نداشت اما حالا انتشار اخبار اشکال دارد؟ اگر اینگونه استدلال شود پس باید حق را به شاه داد که می گفت انقلاب را بی بی سی راه انداخت و وحدت ارتجاع سرخ و سیاه، چطور حرفهای شاه نادرست بود اما حرفهایی که با همان منطق و محتوا از زبان شما گفته می شود درست است؟ آیا در دوران مبارزه که آقای داعی با اجازه و اطلاع امام رادویی را که متعلق به دولت عراق بود و یا امام در فرانسه از همه خبرگزاری ها استفاده می کرد جهت انتشار اخبار نهضت، این دلیل وابستگی جریان مبارزه به حکومت عراق و بیگانگان بود؟ البته روشن است که این یک فرصت است البته هر جامعه و نظام سیاسی بدنبال منافع خودش است و برای تامین بیشتر منافعش عمل می کند و ما همه باید به این نکته توجه داشته باشیم اما این نباید ما را دچار داوری نادرست کند.

اینکه دائم دم از وحدت زده شود کافی نیست بلکه لازمه تحقق این شعار داشتن سعه صدر است و اینکه انقلاب و نظام را متعلق به همه مردم و ۷۵ میلیون شهروند ایرانی بدانیم و الان هم بنده اعلام می کنم که این دولت مستقر است و مسئولیت دارد و باید پاسخگوی مردم باشد هر چند مشروعیت ندارد و قانونی نیست چون رای مردم را نگرفته است. ما اعلام کرده و می کنیم که خواستار اجرای همین قانون اساسی هستیم چون خیلی ظرفیت دارد که مغفول مانده است و برخی اصول و بطور خاص اصولی که در فصل حقوق ملت آمده است در اجرا به فراموشی سپرده شده است منتهی آقایان می خواهند با عدول از قانون و با تکیه بر زور و چماق و تهمت امور را به پیش ببرند تا قدرتشان حفظ شود. به این جهت امیدواریم که اینها در نحوه نگرش و رفتارشان باید تجدید نظر کنند و دریابند که کشور را به نحو دیگر و قانونمند هم می شود اداره کرد که همه راضی باشند و بهره برند و آرامشی پویا و نه قبرستانی و استبدادی حاکم شود. ما بر این باوریم که کل قانون اساسی باید اجرا شود و نه اینکه یک اصلش وحی منزل تلقی و اجرا شود و بقیه اصول به فراموشی سپرده شود و در مورد امام نیز باید کل سخنان و سیره عملی ایشان

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

ملاک و معیار باشد و نه اینکه با نگاهی خاص سر و ته سخنان ایشان زده شود و به آن استناد شود. ما خواست و نظرمان روشن است و جنبش مردمی هم پس از انتخابات و در اعتراض به نتیجه اعلام شده براه افتاده است همین خواست را دارد و امیدوارم با صبر و بردباری مردم در سال آینده بتوانیم به این خواست دست یابیم.

مادر کاوه کرمانشاهی: هفت سین را در مقابل بازداشتگاه برپا خواهیم کرد

کمیته گزارشگران حقوق بشر: فرنگیس داوودی، مادر کاوه کرمانشاهی پس از اطلاع از مخالفت بازپرس پرونده با آزادی فرزندش پیش از ایام نوروز اعلام کرد سفره هفت سین را در مقابل بازداشتگاه برپا خواهد کرد تا بتواند تحویل سال را در کنار فرزند در بندش جشن بگیرد. امروز چهارشنبه ۲۶ اسفندماه، مادر کاوه کرمانشاهی برای چندمین بار در روزهای گذشته جهت آزادی موقت یا ملاقات با فرزندش به بازداشتگاه اطلاعات کرمانشاه مراجعه کرد اما باز هم تلاش وی بی نتیجه ماند. در روزهای گذشته نیز شیرزادی بازپرس پرونده این فعال حقوق بشر، رسیدگی به پرونده او را تا پیش از ۱۵ فروردین بعید دانسته بود. با گذشت بیش از ۴۰ روز از بازداشت کاوه قاسمی کرمانشاهی، از علت بازداشت و اتهامات وی اطلاعی در دست نیست و مادرش تنها یک ملاقات کوتاه با او داشته است.

این در حالی است که بسیاری از زندانیان سیاسی در روزهای منتهی به عید نوروز آزاد شدند. کاوه قاسمی کرمانشاهی روز ۱۴ بهمن ماه طی یورش ۷ نیروی امنیتی به منزلش در کرمانشاه بازداشت شد. وی روزنامه نگار، فعال حقوق بشر و سخنگوی سازمان دیده بان حقوق بشر کردستان است. او همچنین از اعضای کمپین یک میلیون امضا در کرمانشاه، عضو انجمن منحل شده ژیاو و نیز از اعضای سازمان ادوار تحکیم وحدت است.

تلاش برای پرونده سازی جدید علیه منصور اسالو

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران:

از چند روز قبل از چهارشنبه سوری تهدیدات و فشارها علیه زندانیا سیاسی و سایر زندانیان بند 4 زندان گوهردشت بصورت جنون آمیزی شدت یافت که منجر به انتقال آقای منصور اسالو به بند 5 و شکنجه وحشیانه 7 زندانی بی دفاع شده است.

روز یکشنبه 23 اسفند ماه بطور غیر مترقبه و ناگهانی آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی واحد تهران و حومه توسط حفاظت و اطلاعات زندان فراخوانده شد. پس از مراجعه او را به اتهام واهی که قصد برگزاری مراسم چهارشنبه سوری را دارد به سلولهای انفرادی بند 5 منتقل می کنند ولی بدلیل پر بودن سلولهای انفرادی این بند او را به بند عمومی 5 زندان گوهردشت کرج معروف به بند متادون منتقل می کنند و در کنار زندانیان که اعتیاد شدید دارند و مبتلا به بیماریهای واگیر دار هستند قرار می دهند. زندانیان سیاسی در این بند از هیچ امنیتی برخوردار نیستند. وکیل بند، بند 5 از باند های مافیایی زندان می باشد و در پخش مواد مخدر و حذف فیزیکی زندانیان شهرت دارد. او بدستور علی محمدی و کرمانی و فرجی عمل می کند این فرد خودفروخته هر دستوری که به وی داده می شود را به اجرا در می آورد. از روز گذشته همچنین به آقای منصور اسالو اعلام شده است که او از حالا به بعد در بند 5 باقی خواهد ماند. جان آقای منصور اسالو در معرض خطر جدی می باشد و باعث نگرانی شدید سایر زندانیان سیاسی شده است.

از طرفی دیگر برای پرونده سازی علیه آقای اسالو روز یکشنبه همزمان با انتقال او به بند 5 چهار تن از زندانیان سالن 12 بند 4 را به حفاظت و اطلاعات احضار کردند و برای مدت طولانی آنها را با باتون های برقی تحت شکنجه های وحشیانه قرار دادند. از آنها خواسته شده که علیه آقای اسالو اعتراف کنند که برای اجرای مراسم چهارشنبه سوری پتو ها را قرار بود به آتش بکشند. زندانیان بی دفاع که بدن آنها در اثر شکنجه دچار کبودی شدید بود حاضر به چنین اعترافات دروغین نشدند.

در تلاشی دیگر روز دوشنبه 24 اسفند ماه 3 زندانی بی دفاع دیگر که از جمله آنها آقای شهریاری بود به حفاظت زندان گوهردشت کرج احضار شدند. آنها را هم برای مدت طولانی تحت شکنجه های غیر انسانی با باتونهای برقی قرار دادند. از این 3 زندانی خواسته شده بود اعتراف کنند که قصد همکاری با آقای اسالو برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری را داشتند.

شکنجه 7 زندانی بی دفاع توسط کرمانی و فرجی رئیس و معاون حفاظت و اطلاعات زندان گوهردشت کرج صورت گرفته است. کرمانی و فرجی از شکنجه گران قصی القلبی هستند که تا به حال در اثر شکنجه های غیر انسانی آنها چند زندانی جان خود را از دست داده اند. زندانیان سیاسی شب گذشته مراسم چهارشنبه سوری را علیرغم تهدیدات و فشار های مختلف در بندهای مختلف برگزار کردند.

همچنین شب گذشته تعداد زیادی از مردم و جوانان کرج مراسم چهارشنبه سوری را در مقابل زندان گوهردشت کرج برگزار کردند. این مراسم به حدی گسترده بود که صدای ترقه ها و نور فشفشه ها توسط زندانیان شنیده و دیده می شد. این اولین باری است که مردم در مقابل زندان مخوف گوهردشت تجمع می کنند و مراسم گسترده ای را برگزار می کنند. حرکت مردم و جوانان باعث وحشت زندانبانان شده بود.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، انتقال منصور اسالو به بند 5 که محل نگهداری زندانیان معتاد و مبتلا به بیماریهای واگیردار و قرار دادن او در بندی که وکیل بند او یکی از افراد بندهای مافیایی و خطرناک است و همچنین تلاش برای گشودن پرونده جدید علیه او را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمانهای جهانی کار و سایر سندیکاهای کارگری جهان خواستار اقدامات عملی و فوری برای نجات جان این فعال کارگری شناخته شده است.

26 اسفند 1388 برابر با 17 مارس 2010



گزارش فوق را به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیسیاریای عالی حقوق بشر

سازمان جهانی کار

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

سالگرد مرگ امیدرضا میرصیافی در زندان

گزارش‌گران بدون مرز: در سالگشت مرگ امیدرضا میرصیافی در زندان هنوز پاسخی به چرایی این مرگ دردناک داده نشده است. در آستانه ۲۸ اسفندماه نخستین سالگشت مرگ اندوهبار و بلاگنویس و روزنامه‌نگار امیدرضا میرصیافی در زندان گزارش‌گران بدون مرز اعلام می‌کند " اگر سهل‌انگاری فاحش مقامات زندان اوین نبود امیدرضا می‌توانست نجات پیدا کند. اگر مسئولان قضایی ایران به وظایف خود عمل می‌کردند، از مرگ این جوان می‌شد پیشگیری کرد."

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۷ ساعت ۱۲ ظهر امیدرضا میرصیافی در زندان دچار افت شدید فشار خون شده و به درمانگاه اندرگاه شماه ۷ زندان اوین منتقل می‌شود. وی سپس به بهداری زندان اوین و در آنجا سه ساعت طول می‌کشد تا به بیمارستان لقمان حکیم منتقل شود. یک ساعت بعد پزشکی قانونی مرگ امیدرضا میرصیافی را به علت " مسومیت دارویی " در اثر خوردن ۵۰ قرص (پراپرانولول) به ثبت می‌رساند. روز بعد پیکر وی به خانواده برای خاکسپاری تحویل داده می‌شود، اما علیرغم درخواست خانواده و وکیل وی، کالبد شکافی مستقل انجام نمی‌شود. ۲۹ اسفند پیکر امیدرضا میرصیافی در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده می‌شود. در پی شکایت خانواده از مسئولان زندان اوین در آذر ماه ۱۳۸۸ کمیسیونی دولتی پرونده پزشکی را بررسی و نظر پزشک قانونی را تأیید می‌کند. گزارش‌گران بدون مرز همصدا با نزدیکان این وبلاگ‌نویس جوان خواهان تشکیل کمیسیون تحقیقی مستقل و بی طرف برای یافتن چرایی مرگ امیدرضا میرصیافی است. همه مدارک مربوط به اتهامات، بازداشت، زندانی شدن و مرگ وی باید برای آگاه شدن همگان منتشر شود. ابهامات بسیاری در این باره طرح است. چرا قاضی پرونده به درخواست وکیل مبنی بر عدم تحمل زندان از سوی موکلش و امکان ابتلا به افسردگی توجه نکرد؟ این زندانی چگونه در زندان توانست به این مقدار دارو که بنا بر قوانین و آئین نامه داخلی زندان باید با مجوز پزشک تجویز و با نظارت زندانبان استفاده شود، دسترسی پیدا کند؟ چرا مسئولان زندان علیرغم مشاهده وخامت وضعیت جسمی که انتقال وی به بیمارستانی در خارج از زندان را الزامی می‌کرد، مدت زمانی طولانی را تلف کردند؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر که به روشنی اثبات‌گر ارتکاب خطای‌های جدی و مرگبار مقامات مسئول قضایی در امر امدادسانی درمانی به زندانی امیدرضا میرصیافی هستند. " این مرگ پر انده نشانگر سرنوشت صداهای معترض در ایران است. امیدرضا میرصیافی سمبل مردمی تحت ستم است که امروز نیز برای انتقاد و اعتراض، دستگیر و زندانی می‌شوند تا به سکوت و ادارشان کنند. گزارش‌گران بدون مرز با گرمی‌داشت یاد و نام امیدرضا میرصیافی خواهان آزادی بیش از پنجاه روزنامه‌نگار و نت- شهروند زندانی در ایران است که همچنان در شرایطی دشوار بسر می‌برند."

فشار بر خانواده‌های بازداشت‌شدگان برای عدم مصاحبه

تغییر برای برابری: سمیه فرید فعال حقوق زنان بعد از ظهر 24 اسفند درحالی که پیگیر امور مربوط به بازداشت همسرش بود بازداشت شد. همسر سمیه فرید، حجت (سیاوش) منتظری روز 13 اسفند بازداشت شده بود و مراجعات مکرر سمیه به دادگاه و زندان حتی برای دریافت خبری از محل نگهداری همسرش نتیجه‌ای نداده بود.

صبح روز 24 اسفند سمیه در تماس با وکیلش به او اطلاع داده بود که در تماسی تلفنی از او خواسته اند ساعت 5 بعدازظهر همان روز برای گرفتن برخی از وسایل همسرش از قبیل کارت های اعتباری به داسرا مراجعه کند. آنها همچنین وعده داده بودند که ممکن است به او اجازه ملاقات با همسرش را نیز بدهند. وکیل سمیه در ادامه می‌گوید: « عصر آن روز بعد از ساعت 5 سمیه مجددا تماس گرفت و گفت به همراه برادر شوهرش به داسرای اوین رفته ولی خودش به داسرا مراجعه کرده است و به او گفته اند داسرا تعطیل هست و فردا مراجعه کند.» سمیه به وکیلش می‌گوید که در حال برگشت به منزل هستند اما گویا همان موقع هردو بازداشت می‌شوند. گرچه برادر همسر سمیه به سرعت آزاد می‌شود اما هنوز هیچ خبری از محل نگهداری سمیه به خانواده یا وکیل او داده نشده است. وکیل سمیه در پاسخ به این سوال که آیا تابحال اعضای خانواده‌های بازداشتی‌ها را به دلیل مصاحبه درباره فرد زندانی شان بازداشت کرده اند یا نه گفت: « تا به حال هیچ یک از خانواده‌های دستگیر شده‌ها را به دلیل مصاحبه نکرده اند »

جدا از احضارهای تلفنی، گویا قرار است بازداشت غیرقانونی اعضای خانواده‌های زندانی‌ها نیز به رویه‌ی غیرقانونی دیگری بدل شود. این امر نشان می‌دهد که نه تنها از این پس اعضای خانواده فرد بازداشت شده برای پی‌گیری وضعیت فرد زندانی‌شان حتی در حد مصاحبه آزادی عمل ندارند بلکه ممکن است خودشان نیز در معرض بازداشت قرار گرفته و براحتی در خیابان بازداشت شوند. اگر این رویه باب شود و اعتراضی به آن صورت نگیرد امر غیرقانونی به مثابه قانون عمل می‌کند و بر شدت رفتار خودسرانه می‌افزاید.

صدور حکم اعدام برای عبدالرضا قنبری یکی دیگر از بازداشت‌شدگان روز عاشورا

کمپین بین المللی حقوق بشر: عبدالرضا قنبری که در یکی از دادگاه‌های بعد از روز عاشورا به خاطر شرکت در تجمعات روز عاشورا به محاربه متهم شده بود ، با حکم قاضی صلواتی به اعدام محکوم شده است. کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران اطلاع حاصل کرده که قنبری از حق دادرسی عادلانه محروم بوده و امکان انتخاب و گفتگو با وکیل و تنظیم لایحه دفاعیه را نداشته است.

کمپین بین المللی حقوق بشر از مقامات قوه قضاییه ایران می‌خواهد که شرایط دادرسی عادلانه و از جمله دسترسی آزاد به وکیل تعیینی را برای افرادی همچون عبدالرضا قنبری فراهم کند و از تعجیل برای به چوبه دار سپردن افرادی که اتهامات مطرح شده علیه آنها با مجازات‌های تعیینی هیچ تناسبی ندارد خودداری کنند. با توجه به ماهیت غیرقابل بازگشت حکم اعدام و نیز شایبه جدی نسبت به ماهیت سیاسی بسیاری از احکام صادر شده بعد از انتخابات ۲۲ خرداد سال گذشته، اشتیاق قضات قوه قضاییه ایران برای صدور حکم محاربه و یا اعدام شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد.

در روز هشتم بهمن دو تن از متهمان سیاسی زندانی به نام آرش رحمانی پور و محمدرضا علی زمانی درحالی که وکیل و نیز خانواده آنها خبری از زمان اجرای حکم نداشتند در کمال ناپاوری افکار عمومی اعدام شدند.

عاشورا که مذهبی ترین مناسبت مذهبی در ایران به شمار می‌رود امسال به یکی از خونین ترین روزهای سال تبدیل شد به نحوی که حداقل ۷ نفر کشته شده و صدها نفر نیز بازداشت شدند. عباس جعفری دولت آبادی همچنین گفته است که برای ۲۵۰ بازداشت شده روز عاشورا کیفرخواست صادر شده که بسیاری از آنها دادگاهی شده‌اند.

عبدالرضا قنبری ۴۲ سال دارد و ساکن محله فقیر نشین قیام دشت ورامین میباشد. عبدالرضا قنبری معلم است و گفته می‌شود که تنها جرم او شرکت در اعتراضات مردمی روز عاشورا و شعار دادن علیه آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است. وی پس از بازداشت در روز عاشورا در بند امنیتی «۲-الف» وابسته به اطلاعات سپاه منتقل و نگهداری شده است. در تاریخ ۱۰ بهمن و بدون اطلاع خانواده و بدون اینکه امکان انتخاب وکیل داشته باشد و حتی در شرایطی که هیچگونه ملاقاتی با خانواده و وکیل تعیینی اش نداشته باشد ، در دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی حاضر و به شرکت در راهپیمایی روز عاشورا و برخی دیگر موضوعات اعتراف کرد. یکی از افرادی که از نزدیک پرونده وی را دنبال می‌کنند به کمپین گفت که این اعترافات تحت فشار و شکنجه از وی گرفته شده است. او تا کنون از وکیل محروم بوده و به تازگی به بدعومی زندان انتقال پیدا کرده است.

پرونده قنبری هم اکنون مانند دیگر متهمانی که دادستان تهران به آن اشاره کرده در مرحله تجدید نظر است و بی اطلاعی خانواده از جزئیات پرونده و فقدان امکان

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

انتخاب وکیل تعیینی و به علاوه تصمیم دادگاه بر اعلام نکردن اسامی افراد محکوم شده به اعدام نگرانی جدی را در خصوص اجرای حکم وی و دیگر افراد دستگیر شده در جریان تجمعات پس از انتخابات افزایش داده است.

روز دوشنبه عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران پس از دیدار با آیت الله نوری همدانی در قم گفت که حکم شش تن از متهمان حوادث روز عاشورا صادر شده و در مرحله تجدید نظر است. اگر چه پیش تر از آن دادستانی اعلام کرده بود که برای یازده تن از بازداشت شدگان روز عاشورا درخواست اعدام کرده است. دادستان تهران همچنین گفته است که قوه قضاییه دادستان تهران افزوده که قوه قضاییه تنها اعضای «گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب» را محاکمه کرده و افراد «نادم» از اقدامات خود را آزاد کرده است. دادستان تهران جزییاتی در خصوص چگونگی رابطه افراد یاد شده با این سازمان را منتشر نشده است.

آلودگی شدید آب در زندان گوهردشت باعث بیماری تعداد زیادی از زندانیان شده است

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران: آلودگی شدید آب در زندان گوهردشت باعث شیوع بیماری های مختلف در بین زندانیان بی دفاع این بند شده است و جان آنها را در معرض خطر جدی قرار داده است

از روز 20 اسفند ماه آب نوشیدنی زندانیان بند 4، 1 و بند زنان زندان گوهردشت کرج بشدت آلوده شده است بطوری که غیر قابل نوشیدن است. رنگ آب کدر لجنی و بسیار بد بو می باشد و از طرفی دیگر به دلیل افزودن بیش از اندازه کلر به آب طعم و بوی بسیار بدی میدهد و غیر قابل استفاده است. زندانیان بی دفاع و اسیر به دلیل طولانی بودن مدت آلودگی ناچار هستند که از این آب مصرف کنند و این مسئله باعث شیوع بیماریهای مختلفی در بین زندانیان شده است. تعداد زیادی از زندانیان مبتلا به سر درد و معده درد و بیماریهای گوارشی و بی حالی شده اند.

آب لوله های بند های مختلف به حدی آلوده شده است که کسانی که از آن برای استحمام استفاده می کنند دچار عوارض مختلفی مانند قرمز شدن پوست و خارش شدید شده اند، از 3 روز گذشته همچنین آب این بندها قطع شده است و روزی 1 الی 2 ساعت آب دارند و زندانیان از داشت آب آلوده هم محروم شده اند پیگیریهای مکرر زندانیان برای حل مشکل آلودگی و قطع مستمر آب و عوارض مختلف که دامنگیر زندانیان شده تا به حال بدون پاسخ باقی مانده است و به آنها گفته می شود لوله دچار ترکیبگی شده است و در حال حاضر قادر به برطرف کردن آن نیستند.

این مسئله باعث خشم زندانیان شده است و فضای این بندها بسیار متشنج می باشد. زندانیان سیاسی و سایر زندانیان اعلام کرده اند که اگر این مشکل حل نشود در روزهای آینده اقدام به اعتراضات گسترده خواهند کرد. در بند 1 تا به حال زندانیان 3 بار اقدام به اعتراضات گسترده کرده اند و این بند را هر بار برای چند ساعت آزاد کردند و با بر آورده شدن خواسته های خود بند مجدداً به حالت عادی برگشته است.

آمادگی جمهوری اسلامی برای مبادله یک باره اورانیوم در خاک ایران

رادیو فرانسه: جمهوری اسلامی ایران آماده مبادله ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده در ایران به میزان کمتر از ۵٪ با ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده در خارج از ایران به میزان ۲۰٪ در یک مرحله اما در داخل ایران است. این مطلب را علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه ای با روزنامه جوان عنوان کرد. روزنامه جوان از روزنامه های تندرو طرفدار دولت محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، است. به گزارش خبرگزاری فرانسه علی اکبر صالحی در این مصاحبه یادآور شده است که ایران قبلاً خواستار مبادله اورانیوم غنی شده در ایران در سه محموله ۴۰۰ کیلوگرمی بود.

علی اکبر صالحی گفت ایران اکنون میگوید حاضر است کل اورانیوم غنی شده خود (۱۲۰۰ کیلوگرم) را تحویل دهد به شرط آن که مبادله "در خاک ایران و به طور همزمان" صورت گیرد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی در ماه اکتبر سال پیش به ایران پیشنهاد کرد اورانیوم غنی شده در ایران به میزان کمتر از ۵٪ را به خارج ارسال کند تا پس از غنی شدن به میزان نزدیک به ۲۰٪ در روسیه و تبدیل شدن به میله سوخت در فرانسه برای استفاده در رآکتور تحقیقاتی تهران به ایران بازگردانده شود. این پیشنهاد تا کنون به شکل اولیه آن مورد قبول ایران قرار نگرفته است.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی که به سخنان علی اکبر صالحی در مصاحبه با روزنامه جوان اختصاص داده است به این نکته اشاره می کند که بر اساس آخرین گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر دارای ۲۰۶۵ کیلوگرم اورانیوم باغنا پایین است.

علی اکبر صالحی در مصاحبه با جوان تأکید کرد که وقتی ایران بر مبادله در خاک این کشور پای می فشارد این در عین حال به این معناست که آژانس بین المللی انرژی اتمی کنترل اورانیوم غنی شده در ایران را در دست خواهد داشت. رئیس سازمان انرژی اتمی ایران افزود بازرسان آژانس بیست و چهارساعته بر این محموله (اورانیوم کم غنی شده در ایران) نظارت خواهند داشت و اطمینان خواهند داشت که مهر و موم آن دست نخورده است. علی اکبر صالحی گفت قدرت های غربی پس از تحویل اورانیوم غنی شده در غرب به ایران، می توانند اورانیوم غنی شده در ایران را از این کشور خارج کنند.

همزمان با پیشنهاد علی اکبر صالحی، آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری، خطاب به کشورهای موسوم به گروه (۵+۱) گفت ایران به حق خود قانع است پس این کشورها نیز از به گفته او "اشتباه تاریخی خود" دست بردارند و به حق خود قانع باشند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران افزود ایران نیز باید در چهارچوب شرایط جهانی به گونه ای عمل کند که سوء ظن آن ها از بین برود.

رجا نیوز: خروج دختران هاشمی از کشور؛ فائزه و فاطمه هم به مهدی هاشمی پیوستند

رجا نیوز: همزمان با برنامه ریزی دستگاه دیپلماسی برای کاهش سطح روابط با دولت انگلستان، برخی اخبار تایید نشده از خروج دختران هاشمی رفسنجانی از کشور به مقصد یکی از کشورهای اروپایی و احتمالاً انگلیس حکایت دارد.

به گزارش رجانیز، بر پایه این اخبار، فاطمه و فائزه هاشمی همزمان با افزایش فشارها بر دستگاه قضایی مبنی بر محاکمه فرزندان هاشمی رفسنجانی، اخیراً ایران را به مقصد لندن ترک کرده اند.

تاکنون درباره اینکه این سفر در راستای سفرهای روزی خانواده هاشمی صورت گرفته است یا اینکه اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی در پشت پرده آن وجود دارد، خبری منتشر نشده است.

فاطمه و فائزه هاشمی در حالی از کشور خارج شده و به پایتخت انگلیس سفر کرده اند که مهدی هاشمی، دیگر فرزند رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم، حدود 200 روز پیش و برای آنچه یک "سرکشی کوتاه به برخی واحدهای خارج از کشور دانشگاه آزاد" خوانده شد، ایران را به مقصد لندن ترک کرده است.

پسر هاشمی رفسنجانی اما، با وجود هشدار دادستان کل کشور و دادستان تهران و نیز اعتراض های گسترده مبنی بر لزوم بازگشت به کشور و پاسخگویی به اتهاماتش، تاکنون اعتنایی به این موضوع نکرده است.

سازمان عفو بین الملل خواستار آزادی بی قید و شرط حشمت الله طبرزدی شد

سازمان عفو بین الملل خواستار آزادی بی قید و شرط حشمت الله طبرزدی شد و برای او کمپین اقدام فوری راه انداخت. کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: سازمان عفو بین الملل در بیانیه که روز چهارشنبه در لندن منتشر شد ضمن اعتراض به بازداشت و شکنجه حشمت الله طبرزدی، خواستار آزادی بی قید و شرط رهبر جبهه دمکراتیک ایران از زندان اوین شد. این سازمان حقوق بشری در بیانیه خود که برای آزادی فوری طبرزدی منشر کرده از همگان خواست تا با تماس با مقامات جمهوری اسلامی در سراسر دنیا نگرانی و اعتراض خود را نسبت به بازداشت و شکنجه طبرزدی ابراز دارند.

حشمت الله طبرزدی (معروف به حشمت)، روزنامه نگار و رهبر یک حزب سیاسی ممنوع در ایران، در معرض خطر شکنجه در زندان اوین در پایتخت ایران، تهران، است. او در مدت کوتاهی پس از نوشتن مقاله ای برای یک روزنامه بین المللی در ایالات متحده دستگیر شد که ممکن است دلیلی برای بازداشت او باشد. سازمان عفو بین الملل معتقد است که او یک زندانی عقیدتی است.

حشمت الله طبرزدی، 53 ساله، رهبر جریان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی یعنی جبهه دمکراتیک ایران، مخالف ایران، در روز 27 دسامبر 2009 در خانه اش در تهران دستگیر شد. آن روز انبوه تظاهرات ضد دولتی سراسر ایران را فرا گرفته بود. او توسط ماموران امنیتی سپاه پاسداران انقلاب با حکم بازداشتی که معتبر نبود، دستگیر شد. ماموران کامپیوتر، دفترچه تلفن، آلبوم عکس، نوار ویدئو، فکس و تلفن همراه او را ضبط کردند. حشمت الله طبرزدی له "توهین به رهبر جمهوری اسلامی"، "توهین به نظام جمهوری اسلامی" و "اقدام علیه امنیت ملی" متهم شده است. او اجازه نیافته است تا با وکیل خود ملاقات کند. او تا به حال حداقل دو بار با خانواده اش ملاقات کرده و چند بار توانسته با آنها تماس تلفنی برقرار کند، اگرچه تماس های او در کنترل ماموران بوده است. او در دوره بازجویی و در حالیکه چشم بند داشته مورد ضرب و شتم قرار گرفته، و ماموران اطلاعاتی او را به مجازات مرگ تهدید کرده اند. پس از ملاقات همسر او در تاریخ 10 مارس 2010، همسر او گفته است که طبرزدی از زمان بازداشت به بعد لاغر شده و موهایش نیز سفید شده است.

بازداشت حشمت الله طبرزدی ممکن است در ارتباط با مقاله او در 17 دسامبر 2009 در روزنامه وال استریت ژورنال باشد، که او در آن چنین نتیجه گرفت: "اگر دولت همچنان به خشونت ادامه دهد، به خوبی ممکن است انقلاب دیگری در ایران بوجود آید. یک طرف باید عقب نشینی کند و آن طرف دولت است نه مردم". در 27 دسامبر 2009 وی از سوی بخش فارسی صدای امریکا (رادیو و تلویزیون دولتی ایالات متحده امریکا) مورد مصاحبه قرار گرفت، و اعلام کرد که تظاهرات در ایران بزرگترین تظاهراتی بوده که او تا کنون دیده است. طبرزدی معترضان را به عدم استفاده از خشونت فراخواند.

لطفاً سریاً نامه هایی به زبان فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی یا زبان خود بنویسید و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط حشمت الله طبرزدی شوید چرا که او یک زندانی وجدان است که تنها به منظور فعالیت مسالمت آمیز خود برای حق آزادی بیان در زندان نگهداری می شود؛

موکداً تأکید داشته باشید بر اینکه مطمئن شویم او از اعمال شکنجه و سایر بدرفتاری ها محافظت می شود، که گزارش ها مبنی بر ضرب و شتم وی تحت بررسی قرار می گیرد و هر کسی که در نقض حقوق او مسئول شناخته شود به عدالت سپرده شود، و همچنین او به طور منظم به وکیل، خانواده اش و هر نوع درمان پزشکی مورد نیاز اش دسترسی داشته باشد؛

یادآوری است کنید به مقامات مسئول که ایران، به عنوان عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، موظف است از حق آزادی بیان حمایت کند. سازمان عفو بین الملل در ادامه می نویسد:

حشمت الله طبرزدی رهبر جبهه دمکراتیک ایران است که در سال 2000 برای ترویج یک نظام دمکراتیک سکولار در ایران تاسیس شده است... او همچنین عضو "همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران"، ائتلافی از گروه ها و افراد، از جمله وکلا، روزنامه نگاران، حقوق بشر، حقوق سیاسی و فعالان مدنی با هدف ارتقاء و بهبود وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در ایران است، که در 25 ماه مه 2009 شکل گرفته بود. بسیاری از اعضای این سازمان دستگیر شده اند. برخی از آنها هنوز در بازداشت هستند، در حالی که دیگران به قید وثیقه آزاد شده است. حشمت الله طبرزدی قبلاً یکی از رهبران دانشجویی بود که چندین بار بازداشت شده است و نیز بیش از هشت سال را در زندان به سر برد.

از انتخابات مورد مناقشه ریاست جمهوری در ژوئن 2009، بیش از 5000 نفر دستگیر شده اند، از جمله بیش از 1000 نفر پس از تظاهرات مردمی در مراسم مذهبی عاشورا در روز 27 دسامبر. بازداشت شدگان عبارتند از چهره های سیاسی و فعالان، دانشجویان، مدافعان حقوق بشر و روزنامه نگاران. از آغاز مارس موج دستگیری های گسترده مدافعان حقوق بشر آغاز شده، به ویژه از اعضای گروه فعالان حقوق بشر در ایران، که اخبار منتشر در مورد نقض حقوق بشر در ایران است. این دستگیری در پی حداقل هشت نفر از اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر از دسامبر 2009، چهار نفر از آنها در بازداشت باقی می ماند.

افشای شکنجه مهندس حشمت الله طبرزدی در بیانیه خانواده وی

به نام دوست که ناظر، همه اوست

همچنان که به سال جدید خورشیدی نزدیک می شویم خیل عظیم دانشجویان، روزنامه نگاران و فعالان سیاسی، لحظات خود را در زندان های مخوف جمهوری اسلامی سپری می کنند. در این میان مهندس حشمت اله طبرزدی دبیر کل جبهه ی دمکراتیک ایران، از این قاعده مستثنی نبوده است و با وجود پشت سر گذاشتن حکم هفت ساله ی خود که در خرداد ماه سال 1387 به پایان رسید، با شکنجه ها و بازجویی های ماموران رژیم جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم می کند.

مهندس طبرزدی صبح روز 7م دی ماه سال جاری، فردای عاشورا، در منزل توسط وزارت مخوف اطلاعات بازداشت و به بند 240 اوین منتقل شد. در پی بی اطلاعی خانواده و وکیل از وضعیت و مکان دقیق طبرزدی و بعد از گذشت 20 روز، وی با منزل خویش تماس کوتاهی داشت تا با وجود فشار شدید، خانواده را از وضع نسبی و مکان نامناسب خود آگاه سازد. با آن تماس، خانواده تنها دریافتند که مهندس طبرزدی در انفرادی و تحت بدترین شرایط، بازجویی می شود.

به موازی این اتفاقات، وکیل ایشان جناب آقای محمد اولیایی فر از طریق و به طور غیر مستقیم مطلع شد که طبرزدی در انفرادی 240 سپاه پاسداران می باشد. در این میان اما خانواده ی طبرزدی از ویروس ماموران وزارت اطلاعات مصون نماندند و همواره از طریق تماس تلفنی از سوی مکانی موسوم به دفتر پیگیری مورد تهدید واقع شدند. آنها خواهان جلب همسر مهندس طبرزدی خانم محبوبه علینقیان و آقای مجید علمی داماد ایشان بودند که با مقاومت خانواده و عدم بروز ضعف از این امر غیر قانونی صرف نظر نمودند. البته، این فشار از اسفند ماه سال 87 آغاز شد و تا ابتدای بهمن ماه امسال (88) ادامه داشت.

آنچه روشن است این عمل ماموران وزارت اطلاعات به دلیل فشار بر شخص مهندس طبرزدی بوده است که از این طریق ایشان را از خواسته های برحقش منصرف نموده و بتوانند در بازجویی های خود علیه وی اتهامات واهی اعلام نمایند.

در ادامه روشن شد که برای طبرزدی به مدت 60 روز یعنی تا تاریخ 7 اسفند ماه، بازداشت موقت در نظر گرفته شده است که در این مدت بازپرس پرونده بتواند به حد کمال از طبرزدی بازجویی به عمل آورد.

تماس دوم طبرزدی با خانواده در حالی صورت گرفت که ایشان هنوز در مکان قبلی نگه داری می شد و خانواده دریافتند فشار بازجو در زندان بر ایشان افزایش یافته است اما طبق معمول حتی تهدید به حکم اعدام نتوانست طبرزدی را از افکار حق جویانه ی خویش منصرف گرداند.

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

شایان ذکر است در این مدت با وجود تلاش وکیل، دیدار با طبرزدی میسر نگشت تا این که در پی تماس سوم طبرزدی با خانواده که در تاریخ 4 اسفند ماه سال جاری صورت گرفت مشخص شد فشار بازجویی های پی در پی کاهش یافته و طبق گفته ی بازپرس پرونده، رای ایشان از دادسرا به بیدادگاه انقلاب اسلامی ارجاع شده است که در پی آن، شعبه ی مربوطه آماده شد تا رای خود را مبنی بر اتهامات طبرزدی که صد البته ساختگی و به مانند گذشته از روی بغض و کینه ی جمهوری اسلامی می باشد اعلام کند.

با این وجود خانواده ی طبرزدی به بیدادگاه انقلاب مراجعه نمودند و با وجود جواب های مبهم و کار شکنی بازپرس پرونده، یک تن از اعضای خانواده موفق شد روز 5شنبه مورخ 6 اسفند ماه سال جاری با آقای طبرزدی، البته به صورت غیر حضوری و در پشت کابین محصور به میله، ملاقات کند تا اوین ملاقات او پس از دستگیری انجام شود. پسر ایشان، علی طبرزدی، پس از دیدار با وی شرایط روحی و جسمی طبرزدی را مثبت ارزیابی کرد. مهندس طبرزدی در این دیدار، پرده از اعمال شدید فشار بازجویان و شرایط افتضاح سلول های انفرادی برداشت. ایشان گفت بازجویان بارها وی را به حکم اعدام تهدید کرده اند و روزها در زندان انفرادی عاری از حداقل امکانات بهداشتی و رفاهی نگه داری شده است. همچنین همسر طبرزدی که توانست در ملاقات بعدی حاضر شود، او را لاغر، با سر تراشیده و موهای سفید دیده است. به گفته ی مهندس حشمت اله طبرزدی، فحاشی، ضرب و شتم مکرر و تهدید به اعدام وی در زمان بازجویی برای بار نخست در تاریخ بازداشت های وی صورت گرفته که خانواده را به شدت نگران ساخته است.

با این وجود با شناخت از روحیه ی محکم مهندس طبرزدی و طبق گفته ی خود ایشان، این حربه هم راه به جایی نبرده است. نکته دیگر این که پیرو دیگر اکاذیب بازجویان و ماموران هنگام بازجویی ها به طبرزدی گفته شده بود که خانواده ات در بازداشت و تحت فشار به سر می برند!!! این است حکومت اسلامی!؟! طبرزدی خواستار دیدار با وکیل خود می باشد که تا به امروز این امر نه تنها امکان پذیر نبوده بلکه وکیل ایشان آقای اولیایی فر نیز بازداشت شده است. در غیر این صورت هر گونه اتهام و حکم احتمالی را از سوی بیدادگاه انقلاب، به طور مشخص، غیر قانونی و ضد حقوق بشر می داند.

ایشان به هیچ وجه مایل به حضور در بیدادگاه انقلاب اسلامی نیست و همواره تشکیل دادگاه بدون هیات منصفه را غیر قانونی می داند. خانواده ی مهندس حشمت اله طبرزدی خواستار رسیدگی هرچه سریعتر به وضعیت وی هستند و از تمام مجامع حقوق بشر می خواهند مقابل این اعمال وحشیانه ی رژیم مستبد جمهوری اسلامی تدبیر عادلانه ببینند.

به امید آن که سایه ی سیاهی از ایران عزیز، رخت بریندد.

نوشته شده از سوی خانواده ی زندانی سیاسی، مهندس حشمت اله طبرزدی

اسفند ۱۳۸۸

انتشار از کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

محمد رسول اف آزاد شد

جعفر پناهی: دوست دارم زندگی من شبیه دیگر زندانیان سیاسی ادامه پیدا کند

فرهنگسرای پویا: محمد رسول اف کارگردان شناخته شده سینمای ایران پس از تحمل دو هفته زندان در سلولهای انفرادی زندان اوین روز گذشته با سپردن وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. از گروه سینماگرانی که در یازده اسفندماه هنگام فیلمبرداری به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر شده اند، تنها جعفر پناهی آزاد نشده است که در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین بسر می برد. جعفر پناهی در آخرین تماس تلفنی با همسر خود طاهره سعیدی اعلام کرده است: «من همچنان در سلول انفرادی هستم. از همه کسانی که برای آزادی من تلاش کرده اند، سپاسگزارم، اما هیچ اقدام اضافی برای من انجام ندهید. مگر دیگر زندانیان سیاسی کس و کاری در جهان دارند. دوست دارم زندگی من شبیه دیگر زندانیان سیاسی ادامه پیدا کند.»

اعتصاب غذا

مریم ضیاء از فعالین کودکان در بند زنان زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد

اخبار روز: مریم ضیاء از فعالین حقوق کودک؛ در اعتراض به عدم آزادی و انتقال پرونده اش به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب برای طولانی کردن پروسه دادرسی و ممانعت از آزادی؛ از ظهر امروز با اعلام کتبی به مسئولین زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد. به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، روز چهارشنبه ۲۶ اسفندماه پرونده خانم ضیاء از فعالین حقوق کودک از دادگاه انقلاب شهرری به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب منتقل شد. در آنجا به آقای حیات غیبی گفته شد که همسرش می باید در زندان در انتظار محاکمه باقی بماند. این در حالی است که سند منزل آنها در توقیف می باشد و او می بایست ۱۸ اسفند آزاد می شد. ولی نوفرستی بازپرس شعبه ۱۱ شهرری با اعلام اینکه تحت فشار بازجویان وزارت اطلاعات می باشد و اجازه آزادی او را ندارد از صدور حکم آزادی او خوداری کرده است.

خانم مریم ضیاء در اعتراض به عدم آزادی خود و همچنین انتقال پرونده اش به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب برای طولانی کردن پروسه آزادی، از ظهر روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه با اعلام کتبی به مسئولین زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد و اعلام کرد تا رسیدن به خواسته های خود به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد. خانواده خانم ضیاء مسئولیت هر پیشامد احتمالی برای وی را متوجه ی بازجویان وزارت اطلاعات و قوه قضائیه اعلام کرده اند. این در حالی است که دو فرزند او بی صبرانه در انتظار آزادی مادر خود هستند تا شب عید را در آغوش گرم مادر قرار گیرند؛ ولی بعد از ۲ هفته فشار روحی و جنگ روانی علیه این خانواده و در آستانه روز عید مسئولان پرونده موضوع محاکمه را پیش کشیده اند تا خانم ضیاء را از بودن در کنار کودکانش محروم کنند.



۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

پیام نوروزی دبیرکل سازمان ملل متحد به ایرانیان



ایران پرس نیوز: دبیر کل سازمان ملل متحد در پیامی نخستین روز بین المللی نوروز را به تمام ایرانیان و فارسی زبانان جهان تبریک گفت. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، در این پیام آمده است: تصمیم امسال مجمع عمومی سازمان ملل برای به رسمیت شناختن روز بین المللی نوروز گواه رشد فزاینده آگاهی جهانی نسبت به اهمیت این مناسبت نه تنها در مناطقی که آن را جشن می گیرند بلکه برای سراسر جهان است. در این پیام می خوانیم: برای هزاران سال است هنگامی که که خورشید از خط استوا عبور می کند و بهار در نیم کره شمالی آغاز می شود مردم در بالکان، حوزه دریای سیاه، قفقاز، آسیای میانه، خاورمیانه و سایر مناطق، مراسم ویژه خود را برای جشن نوروز برگزار می کنند. این آیینها از رنگ نو به خانه ها دادن گرفته تا دیدار از دوستان یا آماده سازی غذاهای نمادین همگی القاء کننده روح تجدیدپذیری بوده و نه تنها الهامبخش انانی که این مراسم را برگزار می کنند بلکه همه مردم است. در ادامه این پیام آمده است: همانگونه که اولین روز بین المللی نوروز را گرامی می داریم امیدوارم کشورها و مردم سراسر جهان به تاریخ و مراسم این جشن برای ارتقای هماهنگی با جهان طبیعت توجه کرده و حسن نیت و صلح جهانی را ترویج کنند.

افزایش 1500 درصدی واردات بنزین از آذر تا بهمن

ایسنا: در صدر لیست اقلام عمده واردات 11 ماهه امسال، بنزین وجود دارد که نشان می دهد در 11 ماهه امسال، هفت میلیون و 631 هزار و 700 تن بنزین به ارزش چهار میلیارد و 456 میلیون و 100 هزار دلار وارد کشور شده که این میزان 16.13 درصد از وزن و 9.07 درصد از ارزش کل واردات به کشورمان طی این مدت بوده است.

در این مدت متوسط ارزش بنزین به ازای هر کیلو، 60 سنت بوده که این میزان در مدت مشابه سال گذشته 90 سنت بود. این میزان واردات بنزین در 11 ماهه سال گذشته، سه میلیون و 62 هزار تن به ارزش دو میلیارد و 737 میلیون و 200 هزار دلار بود که 7.67 درصد از وزن و 5.30 درصد از ارزش کل واردات به کشور را طی آن مدت شامل می شد.

مقایسه این آمارهای اعلام شده گمرک کشور نشان می دهد که در 11 ماهه امسال نسبت به مدت مشابه در سال 87، میزان واردات بنزین به کشورمان از نظر وزن و ارزش به ترتیب 149.24 و 62.80 درصد افزایش یافته است.

مقایسه این میزان واردات بنزین طی 11 ماهه با هشت ماهه امسال حاکی از این است که در ماههای آذر و دی و بهمن امسال، پنج میلیون و 995 هزار و 100 تن بنزین به ارزش سه میلیون و 308 هزار و 200 دلار وارد کشور شده که این میزان در همین ماههای سال گذشته 368 هزار و 600 تن به ارزش 204 هزار و 800 دلار بود.

مقایسه این ارقام نشان می دهد که میزان واردات بنزین طی آذر تا بهمن ماه امسال نسبت به همین مدت در سال 87، هزار و 521 درصد از نظر ارزش و هزار و 521 درصد از نظر وزن افزایش یافته است.

رئیس مرکز آمار (مسوول خوشه بندی ها) برکنار شد

خبرآنلاین: محمد مدد، رئیس مرکز آمار ایران با حکم بازنشستگی از سمت خود برکنار شد.

سایت دولت صبح امروز نوشت: پس از درخواست بازنشستگی محمد مدد، رئیس پیشین مرکز آمار ایران، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور با این درخواست موافقت کرد.

بدین ترتیب مسوول اصلی اجرای طرح خوشه بندی خانوارها که با اعتراض گسترده مردم مواجه شد و در عمل به دلیل خطای بالای اندازه گیری از سوی دولت کنار گذاشته شد، از سمت خود کناره رفت.

مدد طی دو ماه گذشته از سوی رسانه ها و افکار عمومی برای کناره رفتن از سمت خود تحت فشار بود. به طوری که برخی رسانه ها رئیس مرکز آمار ایران را به دلیل دارا بودن مدرک دکتری مدیریت دولتی و نه آمار مورد انتقاد قرار دادند. مدد همچنین سابقه کمی در مرکز آمار داشت و در طول مدیریت او به گفته کارشناسان، اعتماد عمومی به آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار کاهش یافت.

محمد مدد از اردیبهشت 1385 عهده دار مسئولیت مرکز آمار ایران بود، او پس از اجرای طرح سرشماری ملی نفوس و مسکن 1385 طرح جمع آوری و پالایش اطلاعات مقدماتی طرح تحول اقتصادی را اجرا کرد که نتایج آن گذشته از مردم توسط دولت نیز مردود اعلام شد.

سابقه کاری اصلی مدد، 8 سال معاونت سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق، ریاست سازمان نقشه برداری، حدود 14 سال معاونت وزیر راه و ترابری و مدیر عاملی سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

با بازنشستگی محمد مدد، ابراهیم عزیزی معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در حکمی ذبیح الله قائمی معاون برنامه ریزی مرکز آمار ایران را با حفظ سمت و تا تعیین رئیس جدید به عنوان سرپرست این مرکز منصوب کرد.

نویسنده و فعال جنبش زنان بازداشت شد

کمپته گزارشگران حقوق بشر: لاله حسن پور، نویسنده و فعال جنبش زنان امروز سه شنبه ۲۵ اسفندماه طی یورش نیروهای امنیتی به منزلش بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

از علت دستگیری و نهاد بازداشت کننده این فعال اجتماعی اطلاعی در دست نیست.

بازداشت لاله حسن پور در حالی صورت می گیرد که در روزهای اخیر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند و دادستان تهران نیز طی اظهاراتی از آزادی بازداشت شدگان ماههای اخیر در آستانه عید نوروز خبر داده بود.

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

سی ان ان: جشن غیر اسلامی به تظاهرات علیه دیکتاتور تبدیل شد

شبکه تلویزیونی سی ان ان در گزارشی در باره اعتراضات ضد حکومتی در مراسم چهارشنبه سوری گفت، مردم ایران در رد حکومت ملاهای تندرو به خیابانها آمدند. بسیاری از آنها با وجود حضور سنگین گشت های پلیسی و نظامی در خیابانها تجمع کردند. ملاها بشدت از این جشن نگران و ناراحت اند. این جشنی است که با فشفشه و ترقه و آتش بازی برگزار می شود. ملاها این سنت را غیراسلامی می دانند. فیلم های ویدیویی که روز سه شنبه از روی یوتیوب به دست ما رسیده نشان می دهد که مردم شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند.

آمریکا صدور حکم اعدام برای شش زندانی سیاسی در ایران را محکوم کرد

رادیو فردا: فیلیپ جی کرولی، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، صدور حکم اعدام برای شش نفر از بازداشت شدگان رویدادهای پس از انتخابات در ایران محکوم کرد.

عباس جعفری دولت آبادی دادستان عمومی و انقلاب تهران روز یکشنبه در دیدار با برخی از روحانیون بلندپایه نزدیک به حکومت جمهوری اسلامی اعلام کرد که شش نفر از متهمان روز عاشورا به اعدام محکوم شده اند و احکام این افراد هم اکنون در دادگاه تجدیدنظر است.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به این خبر روز سه شنبه اظهار داشت: «ما اعدام زندانیان سیاسی را محکوم می کنیم و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم و از دولت ایران می خواهیم به حقوق شهروندی مردم خودش احترام بگذارد.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا افزود: «طبق قوانین خود ایران، همه زندانی ها دارای این حق هستند که مراحل مختلف دادرسی در مورد آنها اجرا شود.»

فیلیپ کرولی گفت: «حق داشتن دادگاه منصفانه و علنی در اعلامیه حقوق بشر مندرج است و ایران آن را به امضا رسانده است.»

به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا «اگر دولت ایران احترام جامعه جهانی را می خواهد، باید به مردم خود احترام بگذارد.»

عباس جعفری دولت آبادی که یکشنبه شب همراه با قضات دادسرا و محاکم انقلاب تهران به دیدار آیت الله نوری همدانی، از مراجع تقلید حامی دولت، رفته بود همچنین گفته است که برای ۲۵۰ نفر از متهمان روز عاشورا کیفرخواست صادر شده است.

پیش از این دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، به ریاست صادق لاریجانی، دو نفر از محاکمه شدگان در دادگاه های موسوم به «کودتای مخملی» را مخفیانه و بدون اطلاع خانواده و وکلا به دار آویخت.

آرش رحمانی پور و محمدرضا علی زمانی در حالی در دادگاه های پس از انتخابات به محاکمه کشیده شدند، که به گفته وکلای مطلع از پرونده، این دو هفته ها پیش از انتخابات دستگیر شده بودند.

همچنین بر پایه اخبار حکم اعدام محمدمین ولیان، دانشجوی ۲۰ ساله ای که در ارتباط با رویدادهای عاشورا بازداشت شده بود، در دادگاه تجدید نظر تایید شده و در متن حکم نیز به فتوایی از آیت الله مکارم شیرازی اشاره شده است.

پس از انتشار این خبر، آیت الله مکارم شیرازی، صدور هرگونه فتوایی درباره محارب خواندن بازداشت شدگان را تکذیب کرد و از قوه قضاییه جمهوری اسلامی خواست با رافت با بازداشت شدگان برخورد کند.

انتشار خبر تایید حکم محمد امین ولیان تکذیبیه دادستان را نیز در پی داشت به طوریکه وی اعلام کرد این حکم هنوز در مرحله تجدید نظر است.

افزون بر مخالفت های شخصیت ها و گروه های سیاسی، برخی از مراجع شیعه، از جمله آیت الله صناعی و آیت الله دستغیب نیز با احکام صادر شده مخالفت کرده اند. آیت الله یوسف صناعی، از مراجع تقلید در قم، در پاسخ به پرسشی درباره «محاربه» گفته است که هرگاه گروهی به اقدامات حکومت معترض باشند «قطعاً» محارب نیستند و عمل آنها دفاع از حق است.

آیت الله علی محمد دستغیب، عضو مجلس خبرگان رهبری، نیز در پاسخ به پرسشی مشابه گفته است کسانی که در مقام دفاع از خود بر می آیند، شامل حکم «محاربه» نیستند و محارب به کسی می گویند که روبروی مردم می ایستند و آزادی آنها را سلب می کنند.

سرود یار دبستانی، مچ بندهای سبز در بند ۳۵۰

کلمه: پنج زندانی سیاسی از بند ۳۵۰ اوین به سلول های انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شده اند. احمد کریمی، ناصر عبدالحسینی و حسام ترمسی از جمله این زندانیان هستند که به دستور بزرگ نیا، رییس بند ۳۰ به انفرادی منتقل شده اند.

به گزارش خبرنگار کلمه به نقل از خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ حاکی است که زندانیان این بند روزهای شنبه و یکشنبه این هفته در اعتراض به شرایط نامناسب بند دست به اعتصاب غذا زده و در همین روزها با خواندن سرودهای انقلابی از جمله یار دبستانی من و ای ایران مرزپرگهر، اصرار خود را برای استفاده از حداقل حقوق شهروندی خود به نمایش گذاشتند. تعدادی از زندانیان این بند دیروز در ملاقات روز دوشنبه به خانواده های خود گفته اند که در این اعتراض ها با مچ بند سبز حضور داشته و سرود خوانده اند.

به گفته خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ تعدادی از این زندانیان نیز روز دو شنبه در حالی که مچ بند سبز بر دست های خود بسته بودند، به سالن ملاقات آمدند و در برابر فشار ماموران زندان برای بازکردن مچ بند سبز مقاومت کردند.

بر اساس همین گزارش، زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ با تشکیل گروه فوتبال و بازی در برابر تیم زندانیان مالی به پیروزی دست یافتند که با پایان بازی، وقتی تعدادی از بازیکنان تیم زندانیان سیاسی پیراهن های خود را به نشانه شادمانی بالا زدند، تصاویر میرحسین موسوی در زیر پیراهن هایشان آشکار شد که موجب تشویق و شادمانی شدید زندانیان شد. به گفته زندانیان تصاویر میرحسین موسوی توسط هنرمندان زندانی روی کاغذها نقاشی شده بود.

بزرگ نیا، رییس بند ۳۵۰ در واکنش تلافی جویانه نسبت به زندانیان در روزهای گذشته رفتارهای سخت گیرانه ای را برای تنبیه آنها انجام داده است. از جمله این اقدامات تنبیهی قطع امکان تماس تلفنی زندانیان، تعطیل کردن فروشگاه بند، محبوس کردن زندانیان برای ساعتهای متمادی در هواخوری بوده است.

زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اعلام کرده اند در صورتی که دوستان شان از انفرادی بازگردانده نشوند، روز اول فروردین دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهند زد. در این بند بیش از یکصد و پنجاه نفر از زندانیان حوادث پس از انتخابات نگره داری می شوند.

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

چهارشنبه سوری



زردی من از تو

سرخي تو از من

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۸

چهارشنبه سوری امسال در میان تدابیر شدید امنیتی برگزار شد

بی بی سی: گزارش های رسیده از تهران و دیگر شهرهای ایران حاکی از آن است که مراسم چهارشنبه سوری امسال در میان تدابیر شدید امنیتی برگزار شده است. از چند روز پیش و در شرایطی که بعضی از مسئولان امنیتی ایران نگرانی هایی را در مورد احتمال استفاده مخالفان دولت از مراسم آتشبازی شب چهارشنبه آخر سال برای اقدامات اعتراضی مطرح کرده بودند، تمهیدات پلیس و نیروهای امنیتی برای ایجاد فضای امنیتی آغاز شده بود. یک شاهد عینی از تهران به بی بی سی فارسی گفت که حضور پر شمار نیروهای سپاه و بسیج در کنار مأموران نیروی انتظامی بیش از پیش مشهود بوده است. این شاهد عینی همچنین افزود بعضی از معترضان در نزدیکی میدان آزادی تهران به سمت نیروهای گاردی مواد آتش زا پرتاب کرده اند. البته با توجه به حساسیت هایی که نسبت به برگزاری مراسم آتشبازی شب چهارشنبه آخر سال وجود دارد، حضور نیروهای پلیس برای جلوگیری از آنچه که "بر هم زدن نظم عمومی" نامیده می شود در سال های پیش هم محسوس بود. با این حال شاهدان عینی حضور امسال نیروهای پلیس و بسیج را بسیار بیشتر از سال های قبل توصیف کرده اند.

با توجه به نگرانی های حکومت ایران از تبدیل شدن مراسم چهارشنبه سوری امسال به صحنه ای برای ابراز اعتراض مخالفان دولت، از چند روز پیش تلاش هایی برای جلوگیری هر چه بیشتر از حضور مردم در خیابان ها در مراسم امسال صورت گرفته بود. از جمله پایگاه اطلاع رسانی دولت ایران چند روز مانده به چهارشنبه سوری، پاسخ آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران، و تعدادی دیگر از روحانیان را به سوالی در مورد مراسم "چهارشنبه سوری" منتشر کرد که آن را غیر شرعی دانسته اند. پلیس ایران هم در اطلاعیه ای که روز دوشنبه منتشر شد، از برخورد "جدی و قانونی" با کسانی که در روز چهارشنبه سوری، با ایجاد راهبندان، سد معبر، مزاحمت و پرتاب مواد محترقه و آتش زا، نظم و امنیت عمومی شهر را مختل کنند، خبر داد. رهبران مخالفان دولت در روزهای گذشته از مردم برای حضور در خیابان ها در روز چهارشنبه سوری دعوت به عمل نیاورده بودند. با این حال زهرا رهنورد، از مخالفان دولت ایران و همسر میرحسین موسوی درباره برنامه "جنبش سبز" در چهارشنبه سوری پیشتر در مصاحبه ای اعلام کرده بود که: "یاد ندها، سهراب هاشمیدعلی ها، اشکان ها و روح الامینی ها و ... را گرامی خواهیم داشت و هیچ گونه تندی و خشونت نخواهیم ورزید." خانم رهنورد در عین حال گفته بود که اگر هم در این شب خشونت باشد، از سوی خود حاکمیت خواهد بود.

حاشیه های چهارشنبه سوری

جرس: مراسم چهارشنبه سوری در تهران و برخی شهرهای بزرگ در میان تدابیر شدید امنیتی برگزار شد. به گزارش جرس، مأموران نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و لباس شخصی ها از ساعات ابتدایی عصر روز سه شنبه در میدانی اصلی، مناطق همجوار پارک های پرتردد و محله های نام آشنا به شکلی گسترده استقرار یافته و رفتار شهروندان را به شدت زیر نظر داشتند. با این حال صدای انفجار ترقه ها و فشفه های رنگی خاص مراسم چهارشنبه سوری که از ظهر سه شنبه فضای تهران را به تسخیر خود درآورده بود تا پاسی از بامداد ادامه یافت.

- بنابر مشاهدات خبرنگار جرس از تهران، نیروهای امنیتی در میدانی اصلی شهر مانند میدان انقلاب، آزادی، ونک، صنعت، ولی عصر، هفت تیر و تجریش اتومبیل های گارد ویژه را پارک کرده و در هر یک از این مناطق حدود صد و پنجاه نیروی گارد موتور سوار مستقر شده بودند.
- به دلیل حضور گسترده نیروهای امنیتی در میدانی اصلی، تجمع های شهروندان برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری به خیابان های فرعی منتقل شده بود.
- نیروی انتظامی به تمام مراکز خرید در خیابان های اصلی پایتخت دستور داده بود که درهای خود را قبل از ساعت 6 غروب سه شنبه به روی مشتریان ببندند. همچنین ده ها مأمور نیروی انتظامی سوار بر موتور به رژه در خیابان های اصلی شهر می پرداختند و جوانانی که در حاشیه خیابان ها ایستاده بودند را متفرق می کردند.
- صدای انفجار ترقه ها از نزدیکی های ظهر روز سه شنبه به گوش می رسید ولی با تاریک شدن هوا بر شدت پرتاب ترقه و نارنجک های دستی به شدت افزوده شد.
- در برخی از خیابان ها و کوچه ها مردم صدای ضبط اتومبیل های خود را بلند کرده و به همراه اعضای خانواده و همسایه های خود به رقص و شادی می پرداختند.
- ماشین های آتش نشانی و آمبولانس نیز در میدانی اصلی شهر مستقر شده بودند و صدای آژیر آمبولانس در مناطق مختلف شهر به شدت شنیده می شد.
- در خیابان هایی که حضور مأموران انتظامی بسیار پر رنگ بود شهروندان از بالای بام خانه ها مواد منفجره خاص چهارشنبه سوری را به پایین پرتاب می کردند.
- در برخی خیابان های مرکزی شهر محدودیت های ترافیکی ایجاد شده بود و از ورود موتور سواران به بسیاری محله ها جلوگیری می شد.
- مأموران شهرداری نیز از ابتدای صبح سطل های زباله پلاستیکی را از سطح خیابان های پرتردد جمع کرده و در بسیاری از موارد زباله ها روی زمین ریخته شده بود با این حال در مناطقی مانند خیابان رودکی، ونک و امیرآباد برخی سطل های زباله توسط شهروندان به آتش کشیده شده بود.
- چراغ های روشنایی بسیاری از خیابان ها هم از همان ابتدای شب خاموش شده بود و صدای انفجار به همراه فضای تاریک حاکم بر شهر تداعی کننده حس اضطراب بود.
- بسیاری از شهروندان به دلیل نگرانی از وقوع درگیری های شدید در شب چهارشنبه سوری زودتر از روزهای قبل محل کار خود را ترک کرده بودند و از همین رو مناطق اتوبانی تهران ترافیکی شدید را در ساعات پیش از غروب شاهد بود.
- واکنش شهروندان به چهارشنبه سوری امسال در مجموع به دو دسته تقسیم می شد. گروهی به دلیل صدای هولناک ترقه ها و نارنجک های دستی برگزاری چهارشنبه سوری به این سبک و سیاق را نمی پسندیدند و گروهی هم انفجار ترقه و نارنجک در شب چهارشنبه سوری را یکی از معدود ابزارهای شهروندان برای اعتراض به حکومت دانسته و از آن دفاع می کردند.

گزارش تصویری

جشن ده سالگی اخبار روز

اختر قاسمی

به مناسبت ده سالگی اخبار روز، شنبه گذشته در شهر کلن از طرف همکاران و یاران این سایت سیاسی - خبری جشنی برگزار گردید. بیش از دهها تن از همکاران اخبار روز در این جشن حضور داشتند. از جمله مهمانان می توان از خانم شهلا بهار دوست شاعر و همکار اخبار روز، سردبیر سایت خبری اینترنتی ایران امروز، یکی از کارکنان و همکاران سایت گویا نیوز، آقای سهیل آصفی روزنامه نگار و خانم میترا خلعتبری روزنامه نگار نام برد. آقایان ف. تابان سردبیر و خسرو باقرپور شاعر و دبیر تحریریه اخبار روز ابتدا طی صحبت هایی کوتاه از فراز و نشیب اخبار روز در طی این چند سال سخن گفتند و از تمام کسانی که در این سال ها اخبار روز را با مطالب، شعر و تصویر یاری کردند تشکر کردند. در پایان خسرو باقرپور دو قطعه از آخرین سروده های خود را که برای سهراب اعرابی و کیانوش آسا سروده بود را برای حضار خواند.

آقای بهزاد کریمی از طرف سازمان فداییان خلق اکثریت با اهدای سبزی گل، اخبار روز را یکی از موفق ترین و معتبرترین سایت های ایرانی خواند. او نقش اطلاع رسانی اخبار روز را در این سالیان بسیار با ارزش بررسی کرد. سپس شهلا بهار دوست ضمن قدردانی و تبریک از زحمات مسئولین سایت چند قطعه از سروده های خود را خواند.

دیگر مهمانان ضمن اهدای هدایایی به مسئولین اخبار روز هر کدام سخنانی در ارتباط با نقش اطلاع رسانی صادق اخبارروز ایراد کردند. جشن ده سالگی اخبار روز با صرف شام و رقص و پایکوبی تا ساعتی بعد از نیمه شب به طول انجامید.



گزارش تصویری



گزارش تصویری



فراخوانها، بیانیه ها

پیش به سوی انتخابات آزاد ۴ پرسش از صاحب نظران و حامیان جنبش سبز

بعد از انتخابات خرداد ماه 1388 و در پی آن نادیده گرفتن رای شرکت کنندگان در انتخابات و برقراری دولت کودتا شاهد اعتراضاتی بودیم که با مطرح کردن شعار "رای من کو" به خیابانهای کشور کشیده شد.

این اعتراضات با سرکوب شدید کودتاچیان شدت یافت و جنبش به تقابل با باند کودتاچیان پرداخت طی این مدت شاهد بودیم که هر چه فشارها و دستگیریها و کشتار و شکنجه بیشتر می شود شعارهای جنبش سبز نیز رادیکالتر و خواسته هایش واضحتر مطرح می گردد از شعار "رای من کو" به شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" رسیدیم و بخشی از جنبش با مطرح کردن "استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی" اساس این نظام را به زیر سوال کشید.

امروز کسی نیست که بتواند منکر خواستهای دمکراتیک و آزادیخواهانه و به حق مردم میهنمان باشد مگر کودتاچیان و عواملشان که سالیان سال است که دستهایشان به خون پاک آزادیخواهان این سرزمین آغشته گشته است.

جنبش سبز با تمام فشارها و سرکوبها تا امروز با همبستگی همه آزادیخواهان توانسته با مطرح کردن خواستهایش داغ خود را بر چهره منفور نظام کودتا بنشانند و بدین گونه با مطرح کردن شعار "انتخابات آزاد" قانون اساسی موجود را به زیر سوال می برد.

امروز بخشی از جنبش خواهان تغییراتی در قانون اساسی فعلی می باشد و بخشی خواهان تدوین قانون اساسی جدیدی باشد و بخشی نیز خواهان اجرای قانون اساسی فعلی می باشد. تدوین یک قانون اساسی، باید در مجلس موسسانی تشکیل شده از نمایندگان واقعی مردم ایران، از هر گوشه و کنار این خاک پهناور، با هر اندیشه، مذهب، عقیده و مسلکی صورت پذیرد این نمایندگان انتخابی مردم هستند که قانون اساسی نوین را تدوین خواهند کرد اما تا به آنجا برسیم مراحل دیگری باید طی شود که با سولاتی که در زیر مطرح می گردد امیدوارم بتوانیم وارد دیالوگی دیگر بشویم

- 1- آیا طرح شعار انتخابات آزاد در چهارچوب قانون اساسی این نظام امکان پذیر است یا خیر؟ نظر تان را در ممکن بودن یا نبودن توضیح دهید.
- 2- پیشبرد این شعار در جامعه لازمه چه تحولاتی است راهکارهای شما برای رسیدن به انتخابات آزاد چیست؟
- 3- نقش نیروهای مردم در جامعه بخصوص در ملیتهای مختلف چگونه است برای جذب آنها آیا لازم نمی بینید که تغییرات اساسی در قانون اساسی باید بوجود بیاید و به خواستهای آنان پرداخته و با وضع قوانین جدید به آن رسمیت بخشید؟
- 4- آیا اپوزسیون در توان خود می بیند که مشترکا قانون اساسی بدیلی را تا تشکیل مجلس موسسان به جامعه پیشنهاد دهد؟

بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت نوروز ۱۳۸۹ صد بهار گرمی ز، سر زد از زمستانم!

بهار است! زمین فرومرده به دم سرد زمستان بار دیگر از نفس گرم بهار باغ و راغ را چراغان کرده است. برمدیدن سبزه، عطر گل و نسرين، و شمیم شکوفه های رنگ در رنگ، نوید کوچ زمستان و باز آمدن جان به رگ های فسردهی زندگی می دهد. رفتن سیاهی و کهنگی، و آمدن روشنایی و نوشکفتگی، حکم طبیعت و خواست بی چون و چرای آدمی است.

در سال کهنه، اگر چه در پی اعلام نتایج انتخابات خردادماه و سرریز انبوه مردم معترض به خیابانها موج سرکوب و شکنجه و زندان ابعادی باورنکردنی به خود گرفت، زندانها و سیامچالها و بیغوله های بی نام و نشان انباشته از جوانانی شد که خواستی جز آزادی و پاس کرامت انسانی نداشتند، مادران سوگوار را به زنجیر کشیدند، سانسور کتاب، رسانه ها و ضرب و شتم و بازداشت روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و اجتماعی رفتاری روزمره شد، احکام اعدام را پشت سر هم و با شتاب به اجرا گذاشتند، به هر وسیله ای ممکن متوسل شدند تا جریان آزاد اطلاعات و اخبار را مختل و متوقف کنند... و باز اگر چه هزاران زندانی آزادیده دور از خانه و خانواده خود در ضدانسانی ترین شرایط به سر می برند، و در پایان سال شمار بیش تری از خانواده ها تحویل سال را در پای دیوارهای زندان سر خواهند کرد، اما... سالی که گذشت، سال شکفتن امید نیز بود؛ سال خودآگاهی مردمی که از تبعیض و نابرابری، مردم ستیزی و آزادی گشی به جان آمدند و در طلب آزادی و برابری جانانه بر حق خود پای فشردند.

بهار است! امید است که در کشاکش نیروهای تاریکی و سردی با میل سرکش به زندگی و جوشش و روشنی، «زمستان نارضایی ما در پرتو پیکار آذگان بهاری باشکوه گردد».

نوروز بر تمامی مردم خجسته باد!

کانون نویسندگان ایران

۲۶ اسفند ۱۳۸۸

اعلام اعتصاب غذای سه روزه در همبستگی با مسعود لواسانی، عیسی سحرخیز و دیگر زندانیان سیاسی

ما تعدادی از انسان های خواهان تامین حقوق بشر و برقراری دمکراسی در کشور ایران، به نشان همبستگی با روزنامه نگاران زندانی، مسعود لواسانی که اکنون ششمین روز اعتصاب غذای خود را آغاز کرده است و عیسی سحرخیز که از امروز پنجشنبه دست به اعتصاب غذا زده است و دیگر زندانیان سیاسی که برای دسترسی به خواست هایشان در زندان های گوناگون کشور راهی را جز اقدام به اعتصاب غذا نیافته اند، با خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی در آخرین روزها و ساعات سال پرحادثه 1388، از آغاز روز پنجشنبه 27 اسفند ماه تا لحظه سال تحویل در ساعت 13:02:21 روز 29 اسفند ماه، دست به اعتصاب غذا زده ایم و در این مدت به همراه گرامی داشت یاد جانباختگان جنبش آزادیخواهانه میهنمان در تمام اعصار و به ویژه سی و یک سال گذشته و به طور اخص جنبش اعتراضی ضدکودتایی امسال و به امید آنکه تمامی زندانیان عقیدتی و سیاسی در سال نو در کنار عزیزانشان باشند، از ایشان می خواهیم که همچون ما همزمان با تحویل سال نو به اعتصاب غذای خود پایان دهند.

نیمروز 27 اسفند ماه 1388

حمیرا آجودان قره کانی، اصغر آزاد، محمد آوخ، سولماز ایکدر، دنا بابا احمدی، شهلا باور، شهلا بهار دوست، رحمان جوانمردی، ژیلدا حسن پور، علی خردبیر، میترا درویشیان، مریم رازانی سحرخیز، سعید ریزوندی، مهدی سحرخیز، سعید شبنانی، بانو صابری، عیسی صفا، پویان فخرایی، الهه قهرمان، کامران کانیرش، سارا کریمی، حسن ماسالی، کیانا مالکی، منیره محمدی، انور میرستاری، مهران میر عبدالباقی، احمد میناب، مریم ن.ی، حسن نایب هاشم، امیرحسین نصرت، میترا یوسفی،

پیش درآمد هجرانی
پگاه احمدیآواز
شهلا بهار دوست

خواب بودی که سینه خیز نوشتم
تاریکی. اتاق، تمام اش نکرد
خواب بودی و روی کاغذها،
تکرار. قتل ها و آینه ها بود
اما،

این گوشه از جهان که بی خبرم می کند
اینجا که با تو گل می اندازم،
خطی از خون. این خیابان ها،
برای چند لحظه فراموش می شود
در را می بندیم

تا نشنویم، نبینیم
چند سالمان شده آخر که هرچه غمگین تریم
کمتر می شود بتوانیم، درست حسابی، تمیز، گریه کنیم ...
جایی در پوست ات مثل گوزن، فرو می روم
و فکر می کنم که سرنوشت مان این نیست
باید به فکر تعمیر ساعتی باشیم
که از بس به فکر ماست،

صبح ها

بیدار باش اش را

نمی زند .

به کوتاهی ی وفای تو بود
خسرو باقرپور

میان این همه مهر و که در نگاه من است
شب دو چشم فریبات قبله گاه من است

به جز طواف جمالت نمی کند قدم
که حج واجب من خود همین گناه من است!

شعاع اختر تو بر فراز این صحرا!
نمایم که چه سو ره، کدام چاه من است

اگر چه قاضی ی این محکمه رقیب بود،
در این میان دل سرگشته ام گواه من است

دگر به صید دل کس نمی رود خسرو
شده اسیر کمندی که دست شاه من است

بگذار تا بهار، با آوازی کودکانه
در سرازیری مرطوب این اتاق خمار، کنار اطلسی های ملول
دل خوش کنم به نگاه آفتاب، به فردا
بگذار پشت پلکهای بسته، دلهای شکسته
دهانمان دنبال واژه ای مقدس بگردد
بگذار کولی آواره ای باشم، ناخوش بمانم
با های های جانم، بپریم
بپر از روی آتش جانم
زردی تو از من، سرخی من از تو.
میان. کوچه پس کوچه های تاریخ
در به در دنبال تاکها، با رقصواره باران
دست به هر دری کشیدم
نمی رسم، نمی رسی!

به امروز می رسم
لابلای غباری در باغ، من و عکسی تنها
پیچیده بوی عید و عیدها
رقص پروانه ها دور شکوفه ها
قصه ها و بوسه ها

فردا چه کسی به دیدنم می آید؟

باز نشسته ام، شکسته، لبریز

هنوز هیچکس نیست

هنوز کسی چون من اینگونه دل داده، عاشق
با من اینگونه به ذوق قطره ای جاری
با من در صعود قله های دوستت دارم
به تمنای فتح یک پرواز در خواستن
در طرحی از کولاژ یک باور
راهی نبوده، نیست.

من از غزلها حرفهای خوب شنیده ام

میان قصیده ها چقدر پریده ام

با همین اولین پرستوی باغچه در خوابها خندیده ام

کنار پنجره هی ی نوشته ام

هی هی برایم خوانده است

اینجا خانه سرد، شاخه سرد

چکاوکی نمی خواند

این ناخنهای کبود من روی تار این گیتار

این آهنگ ناموزون من برای بهار

این کابوس زنیست در تکرار!



هنر

این زمین
آزاده دواچی

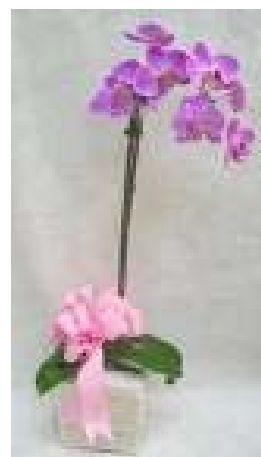
دل‌مان را خوش کرده بودیم
به رودی خشک
که از تداوم مسلسلها، خسته
ولی می رفت
، صدای ماشه را می شنید
و باز می رفت
همه زمین را جمع کردیم
تا برای نگرانی هر پرنده
آوازی باشیم
نشد که نشد
دل‌مان خوش بود
، که زمین بی جاذبه
از تکرار گلوله ها سیر می شود
، و خودش را در دهان همین رود
می تکاند
چرخ زدیم
بافتیم
تا رسیدیم سر سطر
جهان تاریک نبود
، ما تاریک
کوکهایمان را گره می زدیم
، ما از خیاط خانه متمدن
خواستیم با پنجه هایش
دیوارهای زندانمان را ول نکند
ولی همین کافی نبود
پس ماندیم روی زمینی
که هرگز حرفی برای گفتن نداشت

انتخاب طولانی
عباس صفاری

عکس جدیدت را
تازه دانلود کرده ام
یعنی پاسی گذشته از نیمه شب شما
در آنسوی دنیا

همان ساعتی که تو پاورچین
از آن راهروی باریک
عریان به سمت آشپزخانه می روی
و من نیستم که ببینم
مردد مابین یک بشقاب توت فرنگی و
یک پیاله بستنی میوه ای
در برابر یخچال باز ایستاده ای
و بخار سرد و سبکی آرام
می پیچد بر پرهیب خواب آلوده ات

چه بی رحم من
محو تماشای تو در این حالت
همیشه می گفتم
سرما نخوری عزیزم
اما در دل آرزو می کردم انتخابت
یک قرن طول بکشد



هنر

در آستان بهار
ویدا فرهودی

بر بال غزل نیت ایران کردم
با شوق بهار غم به زندان کردم
دیدم که پریشیده ولی مام وطن
پس با قلمم هوای عصیان کردم

* * *

باید به لبان ترانه ای باشد و نیست
از رویش گل نشانه ای باشد و نیست
چون تاج به فرق باغ و بر صحن زمین
در جشن جهان، جوانه ای باشد و نیست

* * *

ای شعر بیا و بیقراری ها کن
بر گور حزین لاله زاری ها کن
با سرخ ترین واژه که داری بشتاب
از چیدن گل، گله گذاری ها کن

* * *

رو پنجره را به سمت ایران بگشا
بشتاب و نهان ز چشم دوتان بگشا
پر کن نفس از صداقت آزادی
با جادوی آن، کلون زندان بگشا

هر چند که لاله روید از خاک مدام
او را نبود ز فرط آندوه دوام
چون گوش کند حکایت موهن درد
می زهر شود شهید بهارش بر کام

مهتاب کرانشه

زن در کلاغ مرده اش خوابیده است
حواسم می پیچید در رویه ی روزها
حوصله ی رقص روحی ام می گیرد.

حوصله ی یک جای دور
از هر چه که بخواهی.

روزهای زندگی ام فیلم در فیلم
مسیرها، دور از دسترس اکنون
و کتابت ام که هی کاف کم می آورد.

خم شو در انتهای قدم هایت
های ای بکن بر این لحظه ها.

بگذار ستاره شوم باز.
بگذار ماه بخواند پیشانی ام را.

و پاهای کودکی ام

نوک به سایه اش بزند/ ببازد طول و عرض روزها را...

بگذار

حوض پیدا شود در اندیشه ی موج دار حوا.
حقیر شود تلاطم این شب ها.

این فکر، دندانه هایش

هی می گزد

لحظه هایم را.

انگار کاشی های پژمرده در خلوت خود خفته اند
و زن فقط در قار قار این روزهای عبوس نفس می کشد.

حالم خوب است
زیبا کرباسی

آسمان صورت پف کرده اش را در ابری فوت می کند
ناگهان ابرها از قصه خالی می شوند
دلَم در خوب می ریزد

خواب از خالی با پوزخند تلخی در فرو می رود
اتاق از هر چه جفت خوابش نمی برد
شب قفلی شلوارش را پایین کشیده
قلندر بیدار است و

من و باران تا صبح روشنیم

مست و سلامت

حالم خوب است

و این کفش های طاق طاق آینه می توانند خیال کنند
بُزک مرده است و

من طاق باز خوابم را به کمپزه ای در بهار نسیم داده ام

زیر بال شاه را از پرنده های تُک به تُک تکانه ام

ساعت دو دقیقه از تیغ گذشته است

و تیغ آینه ای بیخ چانه اش تند می کند غ غ غ غ غ غ غ غ غ غ

زیر آینه اش عود و دود و الودود

پته اش را روی آب چنان غسل می ریزد

که دیگر با هیچ گهی پاک نشود

قرارش را مثل نافی بریده ام

قرار نبود با چشمهای خودش نگاه کند کرد

قرار نبود نرم یا کمی خم حتی مایل یا ولرم شود شد

زندگی بازی دارد

بازی زیبا

آب دارد

باز دارد

آبی دا

آبی دا

آبی

قرار نبود

حالم خوب است

و همه ی قرار نبودها و ما بودیم و قرار نبود

بیا مرا بکش عزیزم

من کشتن گرفته ام

سیرایت دارم

باید زنان جهان را نجات دهی

بیا مرا بکشیم

و سیرایت را به سُرایتی ببخشیم

حالم خوب است

ساعت چند دقیقه از تیغ گذشته

من یک پیرهن از خودم و

گلبرگهای سرخ چند برگ مانده اند به دوبیتی

زل بزن در پستان های سر به هوای برهنه ام

سرت را نزدیک بیار بزن این لا

سنگ فقط شکستن بلد است

بشکن.

هنر

بهار / در باغ گیسوان تو سبز می شود
محمود معتقدی

جهان

حقیقت خسته کنند ه ای ست
که جز به تاوان عشق
بهارش
به کوچه باز نمی آید
چه کسی
این سال دیوانه را
به یاد می آورد

۲

بهار

از جنس سکوت های زمستانی
نیست
سهم رویاها بیت را
با ما
دوباره بخوان
همسفر داس و
یا سمن ها

۳

بهار

بر باغ گیسوان تو
سبز می شود
سبز
مثل همه فصل های درخت و
آینه
همسایه ترانه زیستن و
باد
آوازی بخوان

بهار من
رضا مقصدی

ببار!
سلام صبح علفزار را
به شاخه ی من .

هلا! ...

دل عاشق!
به کهکشان درخت
مدار هلهله ی سبز را تماشا کن!
و از میان هیاهوی جشنواره ی برگ
مرا به سرخی ی گیلاس های تازه، ببر!
به عطر عاطفه ی سیب
مرا به آبی ی رخسار یک ترانه، ببر!

زمین فروردین!
زالال گمشده ی عشق
برگ و بار من است .

و هر غزل
که به گیسوی خاک بنشیند
همان
بهار من است

خورشید و فلک

مودب میرعلایی

کنار پنجره می ایستم
ماه می تابد
نگاه می کنم
به ابرها که در هم می پیچند
تو می آیی
با دامنی گلدار

هنوز می توانم
به خدای بادها بگویم
دامنت را
و از خدای بازکننده تکمه ها بخواهم
خیزش دستانم را
بر لرزش پستانهایت بنشانم
تا مردم گیاه وار در هم بیچیم

آن جا که ابر و باد و مه و خورشید فلک در کارند
خیسیم
اما نه از قطره های باران که باد بر شیشه می زند

